خراسان بزرگ: سال هشتم، شماره (۲۶)، بهار ۱۳۹۶
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.8, No.26, Spring 2017

تجسم جامعه در معماری: تأملی انسان‌شناختی بر معماری آسیاب‌های روستای حسن آباد سبزوار

موسی‌الرضا غربی[۱]
بهروز روستاخیز[۲]
حسین قدرتی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰
شماره صفحات: ۲۴-۱

چکیده

معماری به‌مثابهٔ یک دستاورد بشری، به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی مطرح است؛ ازاین‌رو محملی غنی برای انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان در جهت شناخت فرهنگ‌ها و جوامع فراهم می‌آورد. در این میان، آسیاب‌ها به‌طور عام به‌عنوان بخشی از فرهنگ مردم ایران و به‌طور خاص به‌عنوان یکی از سازه‌های معماری مردمی و بومی ایران می‌توانند دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی از جوامع و فرهنگ خود ارائه نمایند. مطالعهٔ حاضر با تمرکز بر بررسی آسیاب‌های یکی از روستاهای جنوبی سبزوار که از نظر فرهنگ آسیابانی برجستگی ویژه‌ای دارد، درصدد است خوانشی فرهنگی و اجتماعی از معماری این سازه به دست دهد. در این راستا، با بهره‌گیری از روش مردم‌نگاری، ضمن معرفی و بحث از سازه مذکور و برخی ارزش‌های معماری آن، تلاش بر آن است ویژگی سازمان‌دهندهٔ اصلی به معماری آسیاب‌ها شناسایی و صورتی مفهومی گیرد. چنانکه نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، می‌توان از مفهوم درون‌گرایی به‌عنوان مفهومی که سازمان‌یافتگی بنا را توضیح می‌دهد، در اینجا نیز بهره گرفت. در راستای تبیین و تحلیل اجتماعی و فرهنگی این ویژگی، نتایج حاکی از آن است که درون‌گرایی در آسیاب‌های مزبور بیش‌تر از هر عاملی می‌تواند وابسته به ساخت پرتنش جوامع روستایی حاشیهٔ کویر و گسترش پنهان‌کاری به‌عنوان یک ارزش فرهنگی در اندیشه و عمل آسیابان تحلیل شود.

واژه‌های کلیدی: معماری آسیاب‌ها، درون‌گرایی، حسن‌آباد ششتمد سبزوار.

۱ . دانشجوی دورهٔ دکتری انسان‌شناسی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسندهٔ مسئول) mosarezagharbi@ut.ac.ir
۲ . دانشجوی دورهٔ دکتری انسان‌شناسی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران b.roustakhiz@ut.ac.ir
۳ . استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه حکیم سبزواری h.ghodrati@hsu.ac.ir

مقدمه

محیط انسان‌ساختی که فرد در آن زندگی می‌کند، یکی از عوامل مهمی است که به زندگی وی شکل می‌دهد. این محیطِ ساخته‌شده کارکردی بیش از یک سرپناه داشته و در واقع دامنه‌ای از کارکردها را برای آن می‌توان متصور شد. به‌عبارتی‌دیگر، می‌توان گفت معماری گستره‌ای است که مردم در آن ساکن‌اند، پرستش می‌کنند، اجتماعی می‌شوند و در آن و سایر مکان‌های مشخص، آیین به‌جا می‌آورند. در حقیقت، معماری به‌مثابه عامل اولیه و اصلی پیوند اجتماعی، مصنوع مهمی برای بیان نمادین، آیینی، اجتماعی، هنری و سیاسی است. از آنجایی‌که معماری، کیهان‌شناسی و ایدئولوژی مردم در فرهنگ‌های مختلف را بازتاب داده و بر آن اثر می‌گذارد، همواره برای انسان‌شناسی فرهنگی مهم بوده است (یمشوا[1]، ۲۰۱۲: ۷). فضا و معماری به‌طرز ظریفی از طرق مختلف با مقتضیات فرهنگی تلفیق‌شده است؛ بنابراین محیط انسان‌ساخت یا معماری می‌تواند رهگذری غنی برای درک فرهنگی و اجتماعی جوامع به دست دهد.

پیگیری و مشاهدهٔ درهم‌تنیدگی‌های فرهنگ و معماری به‌ویژه در جوامع سنتی و روستایی که میان الگوهای فرهنگیِ مادی و معنوی آن‌ها پیوستگی و تقارن بیشتری وجود دارد، سهل‌الوصول‌تر به نظر می‌رسد. لذا بررسی معماری و بافت‌های روستایی همواره یکی از مناسب‌ترین بسترها جهت پیگیری چنین رویکردی در تحلیل معماری بوده است. عمده‌ترین مطالعات در باب معماری روستایی معطوف به مطالعهٔ مسکن و گونه‌شناسی و جنبه‌های فنی آن بوده است (زرگر، ۱۳۸۴ ؛ مولانایی و سلیمانی، ۱۳۹۰ ؛ ناصریان خیابانی و نیک‌مرام، ۱۳۹۴). این تمرکز توجه به مسکن روستایی موجب نادیده انگاشتن برخی بناها و ساختمان خاص در مجموعهٔ معماری روستایی ایران گردیده است. از جمله مهم‌ترین و با اهمیت‌ترین این ساختمان‌ها در جوامع روستایی ایران آسیاب‌ها هستند. درک اهمیت آسیاب‌ها در جوامع روستایی ایران مستلزم توجه و فهم کارکردهای آن در نظام روستایی است. آسیاب به‌عنوان مکانی میان زمین و خانه، و آسیابان شخصی میان کشاورز و مصرف‌کننده، نقش قابل‌توجه‌ای در حیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع روستایی ایران داشته است؛ لذا مطالعه و پژوهش در مورد آسیاب و فرهنگ آسیابانی، فرصت‌ها و زمینه‌های قابل توجه‌ای را برای ارائه و برجسته‌سازی سازمان و ساختار اجتماعی و فرهنگی جوامع روستایی فراهم می‌کند. با توجه به ورود فن‌آوری‌های دیزلی و الکتریکی در ارتباط با آسیابانی به اجتماعات روستایی، آسیاب‌ها و حرفهٔ آسیابانی تقریباً در اکثر نقاط کشور متروک و در دست فراموشی قرار دارد. در این شرایط به نظر می‌رسد، جهت نیل به شناخت کامل معماری روستایی و بازشناسایی بخش مهمی از تاریخ اجتماعی روستاهای کشور، باید پژوهش‌هایی را در ارتباط با این بنای فرهنگی و بومی طراحی و اجرا نمود. از این‌رو، پژوهشِ حاضر بدون آنکه هدف و اصلاً تخصص بررسی معماری آسیاب‌ها را داشته باشد، صرفاً بدنبال تحلیل معماری آسیاب‌های روستای مورد مطالعه براساس ساختار اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر آن است.

باید توجه داشت که ادبیاتِ پژوهشی قابل‌توجهی در حوزهٔ ارتباط فرهنگ و معماری در ایران به‌ویژه در حوزهٔ معماری بومی تولید شده است (برومبرژه، ۱۳۷۰؛ حائری مازندرانی، ۱۳۸۸ ؛ رفیع‌فر و لرافشار، ۱۳۸۲ ؛ روستاخیز، ۱۳۹۴ ؛ علوی مقدم، ۱۳۹۱ ؛ قاسمی سپنچانی، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۲ ؛ میرزایی، ۱۳۸۲ ؛ یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲ ؛ ارمغان، سلطان‌زاده و ایرانی بهبهانی، ۱۳۹۲). با این وجود، به‌استثنای چند مورد، فرهنگ بومی کمتر مورد توجه نویسندگان بوده و معماری کمتر به‌صورت بسترمند و با توجه به زمینهٔ فرهنگی و اجتماعی‌اش مورد تجزیه‌وتحلیل قرارگرفته است. نوشتارِ حاضر با رویکردی انسان‌شناختی و ملهم از اصول این رویکرد و بینش مبتنی بر آن یعنی کل‌گرایی[2]، تحلیل خرد و بسترمند، ضمن معرفی و بحث از مختصات معماری سازه مورد بحث، به دنبال بررسی و تجزیه‌وتحلیل فرهنگی معماری بومی آسیاب‌ها در یک جامعهٔ روستایی در نواحی جنوبی شهرستان سبزوار است. با این حال باری دیگر باید تأکید کرد که رسالت این مقاله شناسایی و معرفی بنای مورد نظر در روستای مورد مطالعه نیست بلکه هدف آن است که از خلال بررسی برخی عناصر و تحلیل روابط ساختاری، عملکردی و فضایی آسیاب‌های مورد مطالعه، ویژگی غالب در سازمان‌یافتگی فضایی این بنا در جامعهٔ مورد مطالعه، مفهومی‌سازی شده و با تحلیل آن، پرتوی از حیات اجتماعی جامعهٔ مورد مطالعه نمایان شود.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پژوهش را به‌طور کلی در سه نوع اصلی دسته‌بندی می‌کنند: پرسش‌های چیستی، پرسش‌های چرایی و پرسش‌های چگونگی (بلیکی، ۱۳۹۰: ۸۶). پژوهشِ حاضر در وهلهٔ نخست از خلال توجه به کشف و توصیف برخی ویژگی‌ها و مختصات آسیاب‌های موردمطالعه، درصدد پاسخگویی به

1. Yimsrual

2. Holism

سؤالات چیستی می‌باشد و در مرحلهٔ بعد، جویای دلایل وجود این‌چنین ویژگی‌ها یا توالی‌های منظم در بنای مورد بحث است. باید در نظر داشت، سؤالات پژوهش حالت انباشتی دارند و عمدتاً پرسش‌های چرایی بعد از کشف ویژگی‌ها یا توالی‌های منظم و پاسخ‌گویی به پرسش‌های چیستی مطرح می‌شوند (همان، ۱۳۹۰: ۸۶). به عبارتی هر تحلیلی با توصیف وضعیت مورد تبیین شروع می‌شود؛ بنابراین پژوهشِ حاضر از سویی دل‌مشغول پرسش از نوع چیستی بوده و از سوی دیگر متوجه پرسش از نوع چرایی است. در واقع، هدف اصلی تبیین و توضیح بنای مورد نظر براساس فرهنگ بومی روستای مورد مطالعه است. به‌طور مشخص سؤالات این نوشتار را می‌توان بدین نحو صورت‌بندی کرد: ۱) چه ویژگی غالبی در بنای آسیاب‌های مورد مطالعه وجود دارد؟ ۲) این ویژگی غالب به‌وسیلهٔ چه عوامل اجتماعی و فرهنگی‌ای قابل تبیین است؟

ملاحظات نظری

همان‌طور که لاوسون (۱۳۹۱) اشاره می‌کند، یکی از ویژگی‌های جالب‌توجه در معماری، امکان تحلیل آن از زوایای مختلف است؛ تحلیل معماری از منظر اجتماعی و فرهنگی یکی از این دست زوایای مهم است. ازاین‌رو، عده‌ای از پژوهشگران در بررسی این مسئله، توجه خود را عمدتاً معطوف سویه‌های اجتماعی در تحلیل معماری کرده‌اند. به نظر هارولد پروشانسکی، ساختمان‌ها به همان اندازه که محصولات کالبدی هستند، محصولاتی اجتماعی نیز هستند؛ تام مارکوس نیز در اثر خود با عنوان «ساختمان‌ها و قدرت» موضعی ازاین‌دست ارائه می‌کند (لاوسون، ۱۳۹۱: ۵). هانری لوفبور در نظریهٔ تولیدِ فضا، فضا را یک محصول اجتماعی می‌داند. به باور او هر جامعه‌ای بنا بر شیوهٔ تولید، فضای خاص خود را می‌سازد؛ البته منظور او صرفاً شیوهٔ تولید اقتصادی نیست بلکه نقش کنشگران و معانی که آنان در زندگی خود به محیط می‌دهند را در نظر می‌گیرد. او دراین‌باره می‌نویسد «ما از تولید دانش، ایدئولوژی، نوشتار و معانی، ایماژها، گفتمان، زبان، نشانه‌ها و نماد و غیره صحبت می‌کنیم» (لوفبور، ۱۹۹۱: ۶۹ به نقل از اباذری و قلی پور، ۱۳۹۱: ۱۱). از سوی دیگر، عده‌ای از پژوهشگران دل‌مشغول سویه‌های فرهنگی در تحلیل معماری بوده‌اند. به باور این دسته، بنا محصولی است که در رابطه با طبیعت، اجتماع، ایدئولوژی، جهان‌بینی، روش زندگی، نیازهای اجتماعی و روانی، نیازهای مادی، نیازهای فردی و گروهی، منابع اقتصادی و فنون قابل‌دسترس شکل می‌گیرد (معماریان، ۱۳۸۶: ۳۷۵). محققانی همچون آموس راپاپورت و پاول الیور با چنین نگرشی به موضوع معماری پرداخته‌اند (مظفر، حسینی و عبدمجیری، ۱۳۹۱: ۳۲). در این میان، در پژوهشِ حاضر، رویکرد فرهنگی آموس راپاپورت به معماری نقش بصیرت‌بخشی نظری را بازی می‌کند.

این ایده که فضا براساس مفاهیم و الگوهای فرهنگی، سازمان می‌یابد یک ایدهٔ کاملاً انسان‌شناختی است که آموس راپاپورت آن را به نحوی مبسوط به شرح و بحث می‌گذارد. راپاپورت رویکرد خود، «مطالعات محیط- رفتار»[1] را به‌عنوان رشته‌ای جدید مطرح می‌کند و با تأکید بر متغیرهای فرهنگی و بهره‌گیری از مثال‌هایی از فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف، به محیط‌ها و منابع متنوعی اشاره می‌کند تا بتواند ادعای معتبری در میان ادبیات موجود ارائه کند (راپاپورت، ۱۹۸۲: ۹). به زعم راپاپورت، هنگامی که به بررسی منشأ فرهنگی فضاهای زیستی می‌پردازیم، ناگزیر از مطالعه‌ای عمیق در تاریخ فرهنگی ساکنین این فضاها هستیم؛ لذا به طور کلی ایدهٔ اصلی بحث او را باید در نحوهٔ شکل‌گیری این فضاهای انسان‌ساخت براساس الگوهای رفتاری انسان خلاصه کرد. او ارتباط رفتار و شکل بنا را از دو جهت حائز اهمیت می‌داند: اول اینکه فهم الگوهای رفتاری مانند غرایز، هیجانات و احساسات برای فهم شکل بنا اساسی است، زیرا شکل بنا تجسم فیزیکی این الگوهاست. جهت دوم اینکه اشکال ساخته‌شده خود بر رفتار و روش زندگی تأثیر می‌گذارند (راپاپورت، ۱۹۶۹: ۱۶). در سایر نظریه‌ها عمدتاً بر اقلیم، فنّاوری، سایت یا مکان به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده تأکید می‌شود (همان). راپاپورت درعین‌حال اهمیت آن‌ها را یکسره نادیده نمی‌گیرد و از آن‌ها به‌عنوان عوامل تغییردهنده یاد می‌کند و آن‌ها را در نسبت به عوامل تعیین‌کنندهٔ غیرمادی در درجهٔ دوم اهمیت قرار می‌دهد. فرض اصلی او این است که شکل بنا نتیجه نیروهای فیزیکی و یا هر علت مجرد دیگری نیست بلکه نتیجهٔ گستردهٔ عوامل اجتماعی – فرهنگی است؛ بنابراین می‌توان اظهار کرد که تفاوت در ارزش‌های فرهنگی، تفاوت در شکل بناها را نیز به‌دنبال دارد (معماریان، ۱۳۸۴: ۴-۳۸۳).

بر اساس آنچه گفته شد، آموس راپاپورت به لحاظ تعریف، بینِ «معماری بومی» و آنچه خود «معماری یادمانی» نامیده، تمایز می‌گذارد. معماری بومی از نظر وی، معماریِ مربوط به قشر عامه مردم است؛ این نوع معماری را گاه معماری مردمی نیز

1. Environment-Behavior Studies (EBS)

می‌نامند. این معماری همان‌طور که از نامش پیداست برگرفته از محیط و فرهنگ بومی یک مکان خاص است و بیشترین تطابق را با اقلیم و امکانات موجود دارد، که گاه آن را تحت عنوان معماری بدون معمار یا معماری عامیانه نیز مطرح می‌کنند (راپاپورت، ۱۳۸۸). این معماری به طور مستقیم از نیازها، معانی، سنت‌ها و نظم فرهنگی و طبیعی استفاده‌کنندگان نشأت می‌گیرد (راس و بردلی، ۱۹۷۰: ۱۶). در پژوهشِ حاضر نیز تلاش بر آن است معماری بنای مورد نظر به عنوان بخشی از معماری بومی روستای حسن‌آبادِ ده‌زمین براساس فرهنگ آن توضیح داده شود.

روش پژوهش

در مردم‌نگاری به‌عنوان عمده‌ترین استراتژی روش‌شناختی در انسان‌شناسی، گردآوری داده‌ها همواره تابع پرسش تحقیق و شرایط میدان است (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۵۳). چنانکه گذشت مطالعۀ حاضر معطوف به بررسی بنای آسیاب و توضیح و تشریح آن براساس فرهنگ بومی روستای حسن‌آبادِ ده‌زمین در منطقۀ ششتمدِ سبزوار است. با توجه به این‌که پدیدۀ مذکور، امروز به‌عنوان عنصری زنده و دارای کارکرد در فرهنگ موردنظر حضور ندارد، عمدتاً از روش گذشته‌نگر و تاریخی جهت بررسی آن استفاده‌شده و از روش‌شناسی کیفی جهت گردآوری و تحلیل داده‌ها بهره برده شده است. روش‌شناسی کیفی از شیوه‌های دست اول مواجهه با یک زمینۀ خاص به شمار می‌آید. در این رویکرد نه تنها بنای کار بر واقعیت‌های تجربی، مشاهده و مصاحبه نهاده می‌شود بلکه پژوهشگر نیز نقش مهمی در تفسیر و فهم داده‌ها دارد (گروت و وانگ، ۱۳۹۱: ۱۷۶). پژوهشگر میدانی این تحقیق با حضوری مردم‌نگارانه در محل، ضمن مشاهده و مستندسازی بقایای آسیاب‌های این روستا به‌وسیلۀ یادداشت‌برداری، عکس‌برداری و فیلم‌برداری از آن، از مصاحبه‌های مردم‌نگارانه و تاریخ شفاهی به‌عنوان یکی از معمول‌ترین استراتژی‌های مورد استفاده در پژوهش‌های کیفی (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴: ۳۶۳) جهت فهم فرهنگی جامعه موردنظر استفاده کرده است. تاریخ شفاهی به بازسازی گذشته از خلال تجربۀ افرادی که در آن زندگی کرده‌اند، می‌پردازد (آنگروزینو، ۲۰۰۷: ۴۶). از همین‌رو، تاریخ شفاهی در این پژوهش توانست بخشی از گذشتۀ اجتماعی و فرهنگی جامعۀ موردمطالعه را در مورد پدیدۀ آسیاب و آسیابانی بازسازی کند. نحوۀ مدیریت و ادارۀ آسیاب‌ها در گران‌سالی‌ها و تأثیر آن بر سازمان‌یافتگی آسیاب و رفتار آسیابانان از مهم‌ترین نکاتی بود که عمدتاً از طریق تاریخ شفاهی احصا گردید. استفاده از پژوهش‌های موجود در مورد فرهنگ منطقه و دانش فرهنگی منطقه ابزارهای دیگر این نوشتار را جهت ارائه برخی از تحلیل‌ها شکل می‌دهند. بخشی مهمی از شناسایی آسیاب‌ها و فهم جایگاه آسیابانان در ساختار اجتماعی روستا از خلال مصاحبه‌های مردمنگارانه و مشاهدات پژوهشگر در میدان (روستا و محل آسیاب‌ها) حاصل گردید.

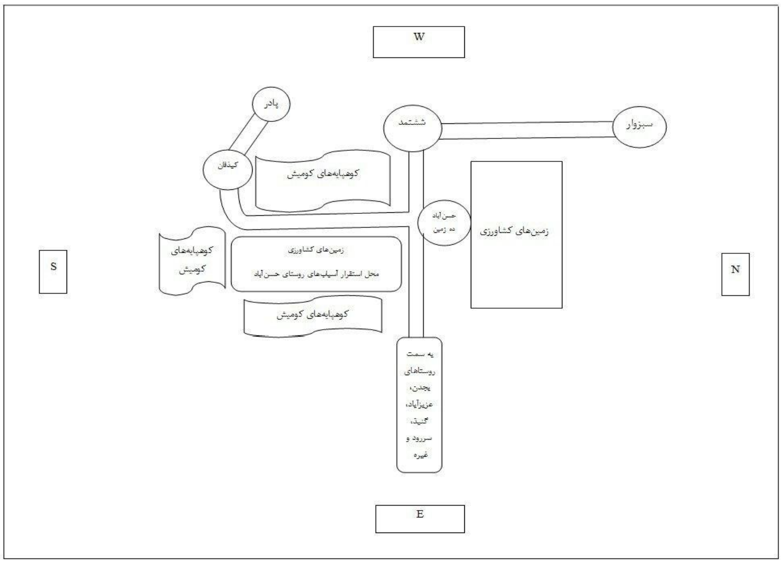
داده‌های متنی و مشاهده‌ای حاصل از ابزارهای گردآوری فوق با استفاده از روش «تحلیل تماتیک» مورد تحلیل قرارگرفته است. تحلیل تماتیک، روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها (تم‌ها) از درون داده‌ها است (برایان و کلارک، ۲۰۰۶: ۸۳). به‌طورکلی فرآیند تحلیل دادها به پژوهشگران فرصتی را برای معنا بخشی و روح دهی به داده‌ها می‌دهد (لکومپت و شنشویل، ۲۰۱۰). جهت ارزیابی اعتبار یافته‌های پژوهش که یکی از دغدغه‌های اساسی پژوهشگران کیفی است در کنار تلاش در جهت «چندوجهی‌سازی»[1] جریان پژوهش به‌طور مشخص از دو تکنیک بیرونی و درونی استفاده‌شده است. از «بازبینی هم‌رده‌ها»[2] به‌عنوان تکنیکی بیرونی استفاده شده است؛ در این تکنیک، یک کنترل بیرونی از فرآیند پژوهش صورت می‌گیرد: افرادی که با پژوهشگر صادق هستند، سؤالاتی را در مورد روش‌ها، معانی و تفاسیر طرح می‌کنند (کرسول، ۲۰۰۶: ۲۰۸). در این پژوهش به‌طور مشخص نمونه اولیه‌ای از پژوهش در قالب مقاله در اختیار سه نفر از هم‌رده‌های پژوهشگران ارائه گردید و در مورد روش و نتایج، بحث‌هایی میان پژوهشگران و ایشان شکل گرفت که موجب برخی جرح‌وتعدیل‌ها در نتایج پژوهش شد. در نهایت، تکنیک «اعتبار اعضا»[3] داده‌ها و یافته‌های پژوهش را از درون جامعه موردمطالعه پالایش کرده است. در این تکنیک، پژوهشگران نظر مشارکت‌کنندگان[4] را در مورد درستی یافته‌ها و تفاسیر پژوهش جویا می‌شوند (همان). به‌طورکلی تلاش عمده برآن بوده است تا ترکیبی از رهیافت‌های روشی امیک و اتیک را بکار گیریم؛ به این معنا که داده‌ها از منظر افراد بومی گردآوری‌شده ولی تحلیل‌های صورت گرفته به زبان و در چارچوب دستگاه‌های مفهومی پژوهشگران ارائه‌شده است.

معرفی میدان پژوهش

روستای حسن‌آباد در دهستان بیهق بخش ششتمد شهرستان سبزوار واقع در استان خراسان رضوی، قرار دارد. این روستا در فاصله ۳۴ کیلومتری از جنوب شهر سبزوار، در طول جغرافیایی ۵۷ درجه و ۴۸ دقیقه، و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و

1. Triangulation
2. Peer Review
3. Member Cheching
4. Participant

۵۷ دقیقه (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۵۰۰) در شمال شرق شهر ششتمد و به فاصله ۵ کیلومتری از آن قرار دارد. روستای حسن‌آباد ازنظر کشاورزی و دامی و به‌ویژه تولید عسل به روش علمی حائز اهمیت است (محمدی، ۱۳۸۱: ۸۲). این روستا با متوسط ارتفاع ۱۳۴۵ متر، موقعیتی تپه‌ای دارد و جمعیت آن در حدود ۱۱۳ نفر در قالب ۶۶ خانوار گزارش شده است (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۵۰۰). چنان‌که برخی از اسناد نشان می‌دهند، این روستا در مسیر جاده تاریخی *ترشیز* که شرق کشور را به جنوب آن متصل می‌کرده، قرار داشته است (گرگر، ۱۳۶۸: ۲۰۲). اهالی قدمت روستا را بیش از ۵ قرن می‌دانند (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۵۰۰). این روستا به‌ویژه درگذشته از روستاهای آباد منطقه بوده است و چنانکه مردم منطقه بیان می‌دارند، روستایی ارباب نشین[۱] بوده است. به گواهی اهالی، حضور ارباب در روستا تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تنظیم روابط و فضای اجتماعی روستا داشته است. به نحوی که بر خلاف روستاهای مجاور بسیاری از اختلافات میان اهالی فرصت چندانی برای ظهور و بروز نمی‌یافته است. این در حالی است اکثر روستاهای مجاور درگیر تعارضات و تضادهای زیادی در ساخت اجتماعی خود بوده‌اند. به نظر می‌رسد، ساخت اجتماعی روستا در سازمان یافتگی فضایی آن موثر بوده است؛ چنانکه متمولین و ثروتمندان در قسمتی از روستا که به آن شاه‌نشین می‌گویند، سکونت دارند و سایر اقشار در قسمت‌های دیگر روستا سکونت دارند. درگذشته بواسطه ناامنی‌های موجود، تمهیدات امنیتی مانند قلعه و خندق، روستا را احاطه کرده که هنوز آثاری از آن قابل مشاهده است. آنچنانکه اهالی بیان می‌دارند، راه زیر زمینی در روستا وجود داشته که آن را به آبادی‌های مجاور مانند ششتمد متصل می‌کرده است. به نظر می‌رسد، میزان زمینی که در اختیار اهالی این روستا است بیشتر از سایر روستاهای مجاور باشد؛ ازاین‌رو بنابر اظهارات مردم بومی، این روستا در منطقه به «حسن‌آبادِ ده‌زمین» مشهور گردیده است. منابع آب روستا، به سه منبع چشمه، قنات و رودخانه محدود است و از سیستم تقسیم آب خاصی برخوردار است که بحث از آن، خود فرصت مستقلی می‌طلبد. در کروکی زیر تلاش شده است مکان‌یابی آسیاب‌ها بیرون از بافت مسکونی روستا مشخص شود.



شکل۱. کروکی روستای حسن‌آباد ده زمین و موقعیت استقرار آسیاب‌های آن
ماخذ: نگارندگان[۲]

---

۱. وضعیت روستاهای که ارباب خود در آن حضور داشته است در مقایسه با روستاهای که اجاره داده می‌شد و یا به مباشر سپرده می‌شده، نسبتاً بهتر بوده است، چراکه حضور وی باعث می‌شده که درزمینهٔ تولید کشاورزی تا حدی سرمایه‌گذاری شده از روش‌ها و فن‌های جدید استفاده شود (وثوقی، ۱۳۷۸: ۹۸).

۲. تمام اشکال، طرح‌ها و تصاویر موجود در این مقاله، توسط نگارندگان تهیه شده‌است. از این‌رو در ادامهٔ مقاله از ارجاع مکرر به ایشان خودداری می‌شود.

انواع آسیاب در ایران

چنانکه فرهنگ دهخدا (۱۳۴۹) نشان می‌دهد، آسیاب به دستگاهی اطلاق می‌گردد که کار خرد کردن و آرد کردن حبوبات یا گچ و آهک و نظایر آن یا روغن و شیرهٔ نبات و جز آن را انجام می‌دهد. این کلمه بر همه انواع آن از قبیل بادی، آبی، دستی و ستوری اطلاق می‌گردد. محمد میر شکرایی در مقاله‌ای تحت عنوان «انسان و آب در حوزهٔ سپیدرود» شرح کوتاهی از آسیاب‌های آبی ارائه کرده است: «اجزا و طرز کار آسیابی آبی، صرف‌نظر از تفاوت‌های جزئی تقریباً در تمام مناطق ایران یکسان است، در این آسیاب‌ها آب با فشار به پره‌های چرخاب آسیاب می‌خورد و حرکتی دورانی را ایجاد می‌کند که با استفاده از یک محور مشترک از چرخاب به سنگ متحرک آسیاب منتقل می‌شود و با حرکت درآوردن و اصطکاک سنگ زیرین دانه‌های که در بین این دو سنگ ریخته می‌شود، آرد می‌گردد» (میرشکرایی، ۱۳۶۹: ۲۴۲-۲۴۳ ؛ به نقل از صالحی، ۱۳۷۰: ۱۱ ؛ همچنین جهت اطلاع بیشتر از منابع مرتبط به آسیاب و آسیابانی در ایران نگاه کنید به: رفیع‌فر، غربی و زرقی، ۱۳۹۴: ۳۷۸-۳۷۹). فرهنگ عمید «آس کردن» را به معنی آرد کردن آورده است (عمید، ۳۱:۱۳۶۳). براساس اینکه این آرد کردن با چه نیرویی انجام شود، انواع مختلفی از آس‌ها از قبیل دست‌آس، آس‌آب، آس‌باد، خرآس و غیره شکل می‌گیرد. در زیر به صورت بسیار خلاصه به این آس‌ها اشاره می‌شود.

۱. آس دستی یا دستاس که در برخی روستاهای منطقهٔ مورد نظر ما هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد. اختراع و استفاده این نوع آس که کهن‌ترین نوع آن است، به پیش از تاریخ بر می‌گردد و به‌ویژه در دورهٔ نوسنگی، شواهدی از استفاده از آن در بعضی از محوطه‌های باستانی ایران گزارش شده است (رفیع‌فر و قربانی، ۱۳۸۵: ۹۹). این آس‌ها شامل دو سنگ یکپارچهٔ تراشیدهٔ گرد و ضخیم بوده که سنگ رویی با نیروی دست انسان بر روی سنگ ثابت زیرین می‌گردد و دانه‌های غله را آرد می‌کند.

۲. آس بادی نوع دیگر آس در ایران است و آن آسی است که با نیروی باد می‌گردد و به آن باد آس یا آسیا چرخ نیز می‌گویند. این‌گونه از آس‌ها را می‌توان در شرق کشور در استان سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان و به‌ویژه منطقهٔ خواف مشاهده کرد.

۳. آس ستوری؛ این نوع از آس با نیروی حیواناتی چون اسب و الاغ و یا شتر چرخیده و عمدتاً به نام خرآس معروف بوده است.

۴. آس آب یا آسیاب معروف‌ترین و متداول‌ترین نوعِ آس در ایران است. بلوکباشی (۱۳۸۸: ۲۴۲) از سه گونهٔ آسیاب سخن به میان آورده است؛ نخست آسیاب تنوره‌ای که با فشار نیروی آب در تنوره می‌چرخد و آسیاب‌های مورد مطالعه در این نوشتار نیز از این‌دست هستند. آسیاب‌های تنوره‌ای بیشتر در مناطق کم آب ساخته می‌شود و عمدتاً با آب چشمه و قنات به گردش درمی‌آید (صالحی، ۱۳۹۳: ۶۰). دوم، آسیاب ناوی است که چرخاب آن با فشار نیروی آبی که از یک ناودان می‌گذرد، می‌چرخد. جلال آل احمد از وجود و فعالیت دو مورد از این‌گونه در روستای اورازان خبر می‌دهد (آل احمد، ۱۳۹۲: ۳۱). سوم، آسیاب چرخی است که چرخاب آن با نیروی آبی که از آبراهی با شیب بسیار تند می‌گذرد، می‌چرخد. آسیاب در بسیار از نقاطِ ایران از جمله در منطقهٔ سبزوار با عنوان آسیا شناخته می‌شود. واژهٔ آسیا در اصل «آس آب» بوده که در تحول آوایی (فونتیکی) به‌صورت آسیاب درآمده و با افتادن حرف صامت «ب» از پایان آن تبدیل به آسیا شده است (بلوکباشی، ۱۳۸۸: ۲۳۶).

معماری آسیاب‌ها

آسیاب و آسیابانی از جمله بناها و مشاغل سنتی ایران است که می‌توان گفت نسبتاً اطلاعات خوبی در مورد آن وجود دارد. گروهی از مورخان و جغرافی‌دانان قرون اسلامی مانند ابن حوقل، استخری و مقدسی و... ضمن بررسی شهرها و آبادی‌های ایران به آسیاب‌ها در سرتاسر ایران اشاره کرده‌اند (هارسن، ۲۰۱۱: ۲). پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی (ایمانی‌جاجرمی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۰؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۲؛ بلوکباشی، ۱۳۶۷ و ۱۳۸۸؛ پاپلی‌یزدی، ۱۳۶۴؛ خضری و کوهستانی اندرزی، ۱۳۹۰؛ رفیع‌فر، غربی و زرقی، ۱۳۹۴؛ رمضان‌زاده، ۱۳۹۵؛ زارع‌شاه‌آبادی و الفتی، ۱۳۸۸؛ ساکت یزدی، امیدواری و حاتمی تاجیک، ۱۳۹۴؛ سرافرازی،۱۳۷۲؛ سلطانی محمدی، رئیسی و فهامی، ۱۳۹۵؛ سلطانی محمدی، سلیمانی و ستایش‌مهر، ۱۳۹۲؛ صالحی،۱۳۹۳؛صفی‌نژاد، ۱۳۸۸؛ قبادی هفشجانی و محمدزاده، ۱۳۹۲؛ قلی‌پور، ۱۳۷۷؛ فرحزا و عباسی هرفته، ۱۳۹۰؛ فرهادی، ۱۳۶۹؛ ملک‌زاده، ۱۳۹۳؛ نادری، ۱۳۶۴؛ نصیب ۱۳۶۰ الف و ۱۳۶۰ب؛ وولف، ۱۳۷۲) در مورد انواع آسیاب‌ها عمدتاً به پنجاه سال اخیر باز می‌گردد. این پژوهش‌ها عمدتاً در جهت شناسایی و ثبت فرهنگ آسیابانی از نظر فنی، معماری و اجتماعی کوشش نموده‌اند. با وجود چنین پیشینهٔ پژوهشی‌ای می‌توان گفت که بخش عمده مسائل فنی و تکنیکی آسیاب‌ها ثبت و ضبط گردیده است. با وجود اینکه مطالعات درخوری در باب معماری آسیاب‌ها نیز صورت پذیرفته است، به نظر می‌رسد هنوز معماری آسیاب‌ها به‌عنوان بخشی از معماری بومی و مردمی ایران از ظرفیت قابل توجه‌ای برای مطالعه و پژوهش برخوردار است. امروز با تغییرات تکنولوژیک جامعه و از رونق افتادن آسیاب و فرهنگ آسیابانی، آسیاب‌ها به ساختمان‌های متروک مبدل گشته‌اند. این موضوع

موجب شده است، در اکثر نقاط کشور آسیاب‌ها در شرایط کالبدی نامطلوبی قرار گیرند؛ این ساختمان‌ها در موارد بسیاری به حدی فرسوده‌اند که امکان برداشت (نقشه‌برداری) دقیق آن‌ها از متخصصان معماری و مرمت سلب شده است (سلطانی محمدی، رئیسی و فهامی، ۱۳۹۵: ۱۲۸). آنچه در ابتدای امر در باب معماری آسیاب‌ها بدیهی به نظر می‌رسد، اینکه معماری این بناها تا حدودی متأثر از فناوری‌ای است که از آن در فرآیند آسیابانی استفاده می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، نوع آسیاب و نیرویی که برای به گردش درآوردن آسیاب به کار می‌رود، در نوع معماری این سازه تأثیرگذار است. برای مثال در آس‌بادها فضای اصلی از دو اشکوب تشکیل می‌شود. اشکوب زیرین را اتاق آسیا یا آس خانه گویند و اشکوب دوم، پَرخانه یا فضای پشت بام آس‌خانه است که محل قرارگیری پره‌های آس‌باد است (خضری و کوهستانی اندرزی، ۱۳۹۰: ۱۸۱– ۱۷۹). علاوه بر فناوری، اقلیم نیز متغیر مهمی در این زمینه است؛ آنچنانکه در مناطق خشک‌تر که آب مجال حرکت بر روی زمین را به علت تبخیر بالا نمی‌یافته و منابع آبی عمدتاً به صورت قنات بوده‌اند، آسیاب‌های خاصی که آسیاب‌های قناتی نامیده می‌شوند، بوجود آمده‌اند. این آسیاب‌ها که در مسیر داخلی قنات‌ها ساخته می‌شوند، در واقع در دل زمین قرار گرفته‌اند و از نظر کالبد ظاهری با آسیاب‌هایی که با نیروی آب چشمه‌سارات و غیره می‌چرخند، متفاوت است. گونه‌های مختلفی از آسیاب‌های قناتی در یزد و سایر نقاط کشور شناسایی شده است (در این زمینه نگاه کنید به: پاپلی یزدی، ۱۳۷۲؛ ساکت یزدی، امیدواری و حاتمی تاجیک، ۱۳۹۴؛ سلطانی‌محمدی، رئیسی و فهامی، ۱۳۹۵؛ سلطانی محمدی، سلیمانی و ستایش‌مهر، ۱۳۹۲ ؛ فرحزا و عباسی هرفته، ۱۳۹۳). بااین‌حال، همان‌طور که راپاپورت متذکر می‌شود این تنها فناوری و اقلیم نیست که تعیین‌کننده است بلکه متغیرهای فرهنگی و اجتماعی نیز نقش عمده‌ای دراین‌باره دارند. چنانکه در مواردی که فناوری یکسانی در آسیاب بکار رفته و شرایط اقلیمی وضعیت مشابه‌ای را نشان می‌دهد نیز، تفاوت‌هایی در معماری بنای آسیاب قابل‌مشاهده است که به نظر می‌رسد بتوان آن را برخاسته از متغیرهای فرهنگی و اجتماعی تلقی کرد. به عبارتی دیگر، می‌توان معماری آسیاب‌ها را براساس متغییرها و مختصات اجتماعی و فرهنگی نیز تحلیل نمود.

آسیاب‌های منطقه

در سطح شهرستان سبزوار وجود بیش از ۳۰۰ آسیاب که در مسیر رودخانه‌های فصلی و دائمی و قنوات قرار داشته‌اند، گزارش شده است (سنگ سفیدی و عبدالله‌زاده‌ثانی، ۱۳۸۸: ۲۰۷). از این میان، آسیاب روستای ریوند در غرب سبزوار که امروز نیز هنوز فعال بوده و فعالیت می‌کند، در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (عبدالله‌زاده‌ثانی، ۱۳۸۶). با توجه به اقلیم خشک و کم آب منطقه، نوع این آسیاب‌ها از نوع آسیاب‌های تنوره‌ای است. چنانکه پیش از این نیز گذشت این آسیاب‌ها در منطقۀ سبزوار با نام آسیا که در گویش محلی به صورت اِسیا[1] تلفظ می‌شود، شناخته می‌شوند. در اسناد رسمی‌تر منطقه مانند وقف‌نامه و اسناد مالکیت در اشاره به این بناها از کلمۀ عربی طاحون یا طاحونه استفاده شده است (رستمی، ۱۳۸۷: ۹۱). قطب آسیاب و آسیاب‌گردانی در منطقۀ جنوب سبزوار، روستای حسن‌آبادِ ده‌زمین بوده است؛ چنانکه در گذشتۀ نه‌چندان دور در درۀ منتهی به روستای حسن‌آبادِ ده‌زمین حداقل ۱۰ حجر آسیاب تنوره‌ای فعال وجود داشته است که رود نسبتاً کم آب روستا تمامی آنان را می‌چرخانده است. بنابر نظر مسن‌ترین آسیابان مورد مصاحبه در این پژوهش، آب این روستا نسبت به آب سایر روستاها برای به چرخش درآوردن آسیاب از برتری ویژه‌ای برخوردار است. این آسیاب‌ها معمولاً به نام مالکانشان نامیده می‌شدند. برای مثال آسیاب عبدول، آسیاب سمائی‌ها، آسیاب عبدالجواد، آسیاب مختار و... . امروزه هیچ‌کدام از این آسیاب‌ها فعال نیست و آخرین آسیاب فعال روستا دهه‌ها پیش از این متروک و غیرفعال شده است. در واقع، اکثر آسیاب‌های این روستا به‌کلی ویران شده است و معمولاً فقط تنوره و بقایای خانۀ آسیاب باقی مانده است مانند آسیاب عبدالجواد، متولی و آسیاب روی کمر؛ حتی در مواردی مانند آسیاب جناب و آسیاب مختار از اجزای آسیاب فقط تنوره باقی مانده است. بااین‌حال، آسیاب‌هایی نیز وجود دارند که از نظر کالبدی نسبت به سایر آسیاب‌ها سالم‌تر به نظر می‌رسند. آسیاب عبدل، آسیاب سمائی‌ها و آسیاب سرخو[2] از جمله آسیاب‌های هستند که نسبت به سایر آسیاب‌ها از وضعیت کالبدی مناسب‌تری برخوردار بوده‌اند؛ لذا عمدۀ داده‌های بصری پژوهش حاضر مربوط به این سه آسیاب است. با این وجود، برای شناسایی دقیق اجزا و عناصر دقیق معماری آسیاب‌های روستای حسن آبادِ ده زمین نیاز به کار خاک‌برداری وجود دارد.

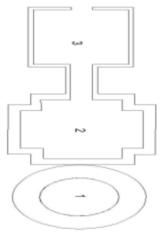
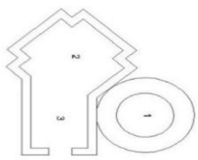
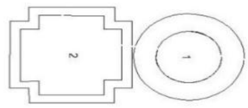
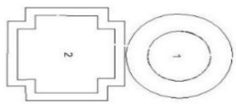
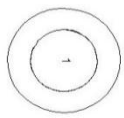
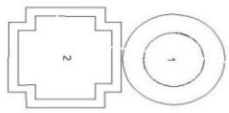
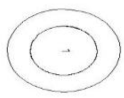
1. esiyyā
2. sorxoū

جدول ۱. آسیاب‌های روستای حسن‌آباد سبزوار و وضعیت هر یک

ردیف	تام آسیاب	زمان گردش	بازده	دارای برج	موقعیت استقرار	قسمت‌های باقی مانده
۱	آسیاب گردشی	عمدتاً زمستان گرد	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	✓	سطح زمین	تنوره و خانهٔ آسیا
۲	آسیاب عبدالجواد	عمدتاً زمستان گرد	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	✓	سطح زمین	تنوره و خانهٔ آسیا
۳	آسیاب عبدل	تمام فصول	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	✓	سطح زمین	تنوره، خانهٔ آسیا، وردی، برج، انبار
۴	آسیاب سمائی	تمام فصول	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	✓	سطح زمین	تنوره، خانهٔ آسیا، وردی، برج، انبار
۵	آسیاب سرخو	تمام فصول	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	—	دامنه	تنوره، خانهٔ آسیا، وردی، برج، انبار
۶	آسیاب مرمری	تمام فصول	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	—	دامنه	تنوره و خانهٔ آسیا
۷	آسیاب متولی	تمام فصول	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	—	دامنه	تنوره و خانهٔ آسیا
۸	آسیاب روی کمر	تمام فصول	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	—	دامنه	تنوره و خانهٔ آسیا
۹	آسیاب مختارها	تمام فصول	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	—	دامنه	فقط تنوره
۱۰	آسیاب جناب	تمام فصول	در فصول پُر آب سه جوال، در فصول کم آب دو جوال	—	دامنه	فقط تنوره

در آسیاب‌های با فناوری یکسان در جامعه‌ای مشخص و یکسان مانند روستای موردمطالعه که به نظر می‌رسد در فاکتورهایی چون اقلیم و فرهنگ نیز در شرایط مشابه باشند، بسته به عواملی همچون سایت و مکان استقرار بنا، گستردگی آسیاب، نوع و میزان مشتریان آن و نحوهٔ مدیریت، تفاوت‌هایی در کالبد آسیاب‌ها مشاهده می‌شود. برای مثال، آسیاب عبدل که در سطح زمین قرار دارد با آسیاب سُرخو که در دامنهٔ کوه قرار دارد، تفاوت‌هایی در برخی عناصر معماری و امکانات با یکدیگر دارند. در آسیاب‌هایی که در سطح زمین قرار گرفته‌اند مانند آسیاب گردشی، عبدالجواد، عبدل و سمائی، خانهٔ آسیاب پایین‌تر از سطح زمین قرار دارد و معمولاً تنورهٔ آسیاب کوچک‌تر به نظر می‌رسد. در حالی که در آسیاب‌های واقع در دامنه که البته اکثر آسیاب‌های روستای حسن آباد ده‌زمین نیز در چنین موقعیتی قرار دارند، تنوره‌ها بزرگ‌تر به نظر می‌رسد و میان فضای خانهٔ آسیاب و ورودی آسیاب چندان اختلاف سطحی به نظر نمی‌آید. با این همه و با وجود تفاوت‌هایی در عناصر و معماری آسیاب‌های موردمطالعه، به‌طورکلی می‌توان فضاهای آسیاب‌ها را بسته به نوع کاربری و کارکرد آن در فرایند آسیابانی به دودستهٔ کلی تقسیم کرد: بخش اول شامل فضاها و عناصری می‌شود که جهت انجام امر آسیابانی ضروری هستند و تمامی آسیاب‌ها جهت انجام امور خود به آن نیاز دارند. بخش دوم شامل فضاهایی می‌شود که به‌طور مستقیم در فرایند آسیابانی دخیل نیستند بلکه عمدتاً مکمل و تسهیل‌کنندهٔ امر آسیابانی هستند؛ مکان‌هایی همچون برج، تنورخانه و آغل احشام مواردی از این‌دست می‌باشند. فضای داخلی آسیاب‌ها آنچنانکه اهالی بیان می‌دارند و آثار آن نیز قابل مشاهده است، بواسطهٔ برافروختن دائمی آتش در زمستان‌های سختِ منطقه همواره دودآلود و به تعبیر یکی از آسیابان‌های روستا "مثل زاغ سیاه بوده است". در ادامه تلاش بر آن است تا از خلال شرح عناصر و تحلیل روابط ساختاری، عملکردی و فضایی معماری آسیاب‌های روستای حسن‌آباد، ویژگی غالب در معماری این بنای سنتی شناسایی شود. در بحث و معرفی این عناصر باید گفت مجموعهٔ آسیاب‌های روستا در نظر گرفته شده‌اند و سعی بر آن بوده تا تمام عناصر موجود در معماری آسیاب‌های روستا، مورد بحث قرار گیرند؛ هرچند همان‌طور که در سطور پیش گذشت ممکن است برخی از آسیاب‌ها فاقد برخی از عناصر باشند.

جدول ۲. پلان هفت آسیاب روستای حسن‌آبادِ ده‌زمین

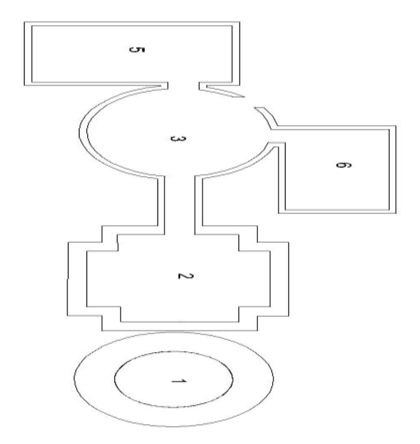
	
آسیاب مرمری	**آسیاب گردشی**
	
آسیاب متولی	**آسیاب عبدالجواد**
	
آسیاب مختار	**آسیاب روی کمر**
راهنما: **۱. تنوره** **۲. خانهٔ آسیاب** **۳. ورودی**	 **آسیاب جناب**

عناصر اصلی

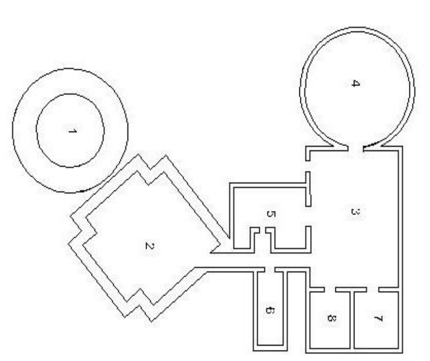
الف) ورودی

به نظر می‌رسد، این فضا را که در تمامی آسیاب‌های موردمطالعه وجود دارد، بتوان با «هشتی» در معماری خانه‌های تاریخی ایران مقایسه کرد. منظور از هشتی در معماری خانه‌های تاریخی، مکانی است که از فضاهای داخلی خانه بیرون آمده و تنها جایی است که با بیرون خانه ارتباط دارد. ایجاد مکث، تقسیم فضاها و فضایی جهت انتظار از عملکردهای این عنصر در مجموعهٔ معماری این خانه‌ها است (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۱۶۰). فضای ورودی در آسیاب‌های موردمطالعه نیز مانند هشتی در معماری

خانه‌های تاریخی تنها محلی است که امکان برقراری ارتباط بین فضاهای مختلف آسیاب را با فضای بیرون آسیاب فراهم می‌کند. ورودی، فضاهای مختلف آسیاب را به یکدیگر متصل می‌کند و نوعی تقسیم فضایی در آن قابل مشاهده است. به‌طورکلی، چهار ارتباط[1] در این فضا قابل‌مشاهده است: ارتباط اول، خود درب ورود به آسیاب است. در سمت چپ درب ورود به آسیاب، ارتباط برج با ورودی آسیاب قرار دارد. در سمت راست درب ورود به آسیاب، ارتباط مربوط به دالان و خانهٔ آسیاب قرار دارد. در قسمت انتهایی فضای ورودی نیز، دربی وجود دارد که ارتباط فضای ورودی را به اتاق زنان فراهم می‌کند. از این اتاق هنگام حضور مردان، جهت استراحت زنان استفاده می‌شده است.



شکل۲. آسیاب سرخو؛ ورودی که با شمارهٔ ۳ مشخص شده است، دارای چهار ارتباط است.



شکل۳. آسیاب سمائی؛ ورودی که با شمارهٔ ۳ مشخص شده است، دارای پنج ارتباط است.

فضای ورودی در آسیاب‌های موردمطالعه دارای عملکردی چندگانه بوده است؛ از سویی محلی برای در انتظار ماندن مشتریان و حتی در مواردی که مشتریان از روستاهای دیگر، به‌اصطلاح محلی به «سرآسیاب» می‌آمدند، محلی برای بیتوته کردن و در امان ماندن از گزند باد و باران و سیل و... بوده است و از سوی دیگر، محلی بوده که برخی از فعالیت‌های حاشیه‌ای و مکمل در فرآیند آسیابانی همچون آماده‌سازی و تمیزسازی غلات و حبوبات با غربال و الک قبل از آسیاب شدن و بسته‌بندی کردن کیسه‌های آرد و آماده کردن جهت تحویل به مشتریان و یا حمل به خانه‌های آن‌ها در آن‌جا صورت می‌گرفته است. فضای ورودی آسیاب، همچنین به علت دوری از فضای آن خانه آسیاب و سروصدای ناشی از گردش آسیاب، محل مناسبی برای استراحت آسیابان و خانواده او بوده است؛ چنان‌که معمولاً همسر آسیابان در کنار معاونت در امر آسیابانی به‌ویژه در فعالیت‌های حاشیه‌ای و تکمیلی آن به کار فرت‌بافی[2] که از صنایع‌دستی رایج در نزد زنان منطقه است نیز در این مکان مبادرت می‌کرده است. بدین ترتیب در قسمتی از این فضا که به آن «گِل گَو[3]» می‌گویند، دستگاه فرت‌بافی بر پا می‌شده است. وجود طاق و طاقچه‌های متعدد، سکوها و تنورچه تمهیداتی جهت استفاده بهینه از این فضا برای عملکردهای چندگانهٔ آن بوده است. طاقچه برای ابزار و اسباب زندگی روزمرهٔ آسیابان و برخی از ادوات مورد نیاز وی جایی فراهم می‌آورده، سکوها از سویی تمهیدی برای استراحت آسیابان، خانواده‌اش و در مواردی، مشتریان بوده و از سویی، امکانی تسهیل‌بخش در جهت حمل‌ونقل کیسه‌های گندم و آرد بوده است. تنورچه تعبیه‌شده در این محل نیز، تمهید خدماتی دیگری برای خانوادهٔ آسیابان و مشتریان آسیاب بوده است. در زمستان‌های سخت افراد با نشستن در اطراف این تنورچه خود را گرم می‌کرده‌اند. در این ارتباط یکی از آسیابان‌ها بیان می‌دارد که: "در زمستان‌های سرد

---

۱. Connectivity: به‌عنوان تعداد نقاطی تعریف می‌شود که یک نقطه به طور مستقیم با نقاط دیگر ارتباط برقرار می‌کند (مداحی و معماریان، ۱۳۹۵: ۵۱).

۲. Faratbafi: نوعی بافت و تهیهٔ منسوجات مختلف از قبیل انواع حوله، چادرشب، سفره، بقچه و غیره بوسیلهٔ نخ‌های پنبه‌ای تابیده یا ابریشم در خراسان است (فربد و رضاییان،۱۳۹۲). نقوش به کار رفته در آن عبارت‌اند از: کاجی شکل، طرح‌های زیگزاکی، اشکال گل، نقوش شانه‌ای، اسلیمی، چهارخانه‌ای و یک رنگ (افروغ ، بهنام‌فر و بهنام‌فر، ۱۳۸۸: ۸۹).

3. gelegav

مردم برای گرم شدن، پاهایشان را به درون این تنورچه‌ها می‌بردند."



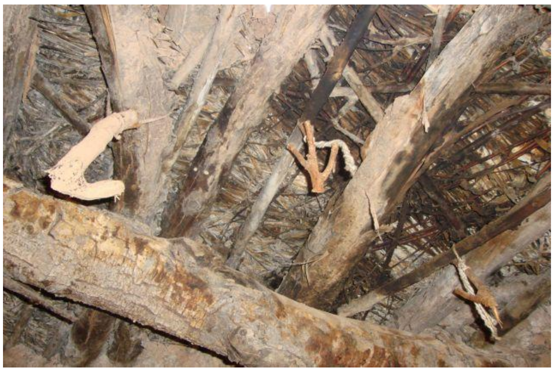
تصویر ۱. تنورچه، آسیاب عبدل



تصویر ۲. طاقچه‌های متعدد، آسیاب سرخو



تصویر ۳. سکو، آسیاب سمائی



تصویر ٤. تعبیه آویز در سقف فضای ورودی،

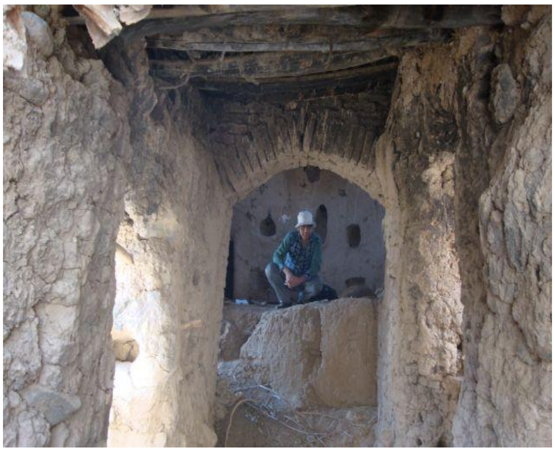
با توجه به آنچه گذشت، می‌توان اظهار کرد که ورودی آسیاب‌ها جلوه‌گاه دو اصل عمده در معماری ایرانی، یعنی اصل مردم‌واری و اصل پرهیز از بیهودگی بوده است. بنابر اصل مردم‌واری، معماری هنری وابسته به زندگی و نیازهای آن است. اصل پرهیز از بیهودگی نیز بیانگر آن است که در امر ساخت‌وساز باید از فضاسازی‌های بیهوده و اسراف اجتناب کرد (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۲۸– ۲۶). وجود سکو برای سهولـت حمل‌ونقل کیسه‌های گندم و آرد، وجود طاقچه‌ها و آویزهـای متعدد – که در محل با عنوان چنگه[1] شناخته می‌شوند– بر سقف جهت نگه‌داری ادوات آسیابانی و زندگی روزمره، وجود فضاهایی جهت استفاده از آن به‌عنوان اقامتگاه مشتریان و ایجاد تنورچه در این مکان برای پذیرایی از مشتریان، همه نمایگر توجه به نیازهای کنشگران آسیاب و آسیابانی (آسیابان و مشتریان) بوده و استفادهٔ چندگانه و در واقع، عملکرد چندگانهٔ این مکان نمایان‌گر اصل پرهیز از بیهودگی در معماری ایرانی است.

ب) دالان

برای وارد شدن به برخی فضاها از جمله انبار و خانهٔ آسیاب می‌بایست از یک راهروی باریک عبور کرد. درواقع مهم‌ترین ارتباط از میان ارتباط‌های موجود در فضای ورودی آسیاب، ارتباط دالان است. در سراسر این دالان نیز طاقچه‌هایی قرار دارد که برخی از ابزارها و ادوات مربوط به آسیابانی در آنجا نگه‌داری می‌شود. دالان در بنای مورد بحث محل اتصال معماری خشتی به معماری سنگی است. ارتباط دالان مانند سایر ارتباط‌های آسیاب ارتفاعی کوتاه داشته به‌نحوی‌که لازم است فرد برای گذر از آن حالت خمیده به خود گیرد. طول دالان معمولاً از سه الی چهار متر تجاوز نمی‌کند و عرض آن در حدود یک متر می‌باشد.

1. Čenga

ازاین‌رو، با توجه به عرضی که این دالان‌ها دارند به نظر نمی‌رسد حیوانات بارکش چون الاغ و قاطر بتوانند به همراه کیسه‌های بار از آن بگذرند. دالان بویژه در آسیاب‌هایی که خانهٔ آسیاب در ارتفاع پایین‌تر از سطح زمین قرار گرفته است، همراه با شیب به سمت خانهٔ آسیاب است. به نظر می‌رسد این دالان باریک در ایام پرکار آسیاب، محل به‌نوبت گذاشتن کیسه‌ها بوده است. مصالح به‌کار رفته در دالان نیز خشت خام بوده که با ملات کاه‌گل اندود شده است.



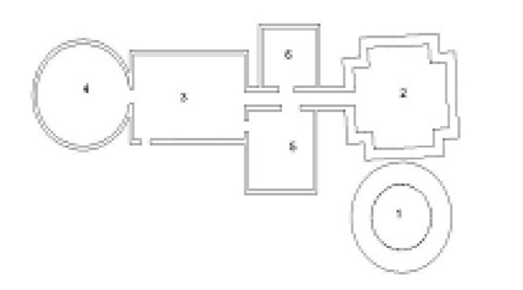
تصویر ۵. نمایی از دالان آسیاب سمائی



تصویر ٦. نمایی از دالان آسیاب سمائی

ج) انبار

در طول دالان، در دو سوی آن دو اتاق تاریک وجود دارد که عمدتاً از آن‌ها به‌عنوان محلی برای انبار کردن کیسه‌های غلات و آرد استفاده می‌کرده‌اند. بنا بر قول بومیان، یکی از این اتاق‌ها جهت نگه‌داری غلات مشتریان و در نوبت قرار دادن آن‌ها بوده و دیگری محل نگه‌داری آرد، دست‌مزد آسیابان و یا احیاناً آرد مشتریان بوده است. به‌منظور پیش‌گیری از شپش‌زدگی غلات، هیچ‌کدام از این دو اتاق، دارای درب نبوده است. البته در برخی از سال‌ها به‌ویژه در زمستان‌ها و گران‌سالی‌ها، از یکی از این اتاق‌ها به‌عنوان محل نگه‌داری از احشام آسیابان و مشتریان آسیاب استفاده می‌شده است. در توضیحی بیشتر باید گفت، یکی از این اتاق‌ها در اصل اتاق احشام و یا در اصطلاح محلی "خانهٔ خر" بوده است. دری از ورودی آسیاب به خانهٔ خر ارتباط داشته است که به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر استفاده از آسیاب آن را مسدود نموده و از طریق دالان به آن دسترسی پیدا کرده‌اند. در این موارد این خانه عمدتاً کارکرد انبار داشته است.



شکل ٤. آسیاب عبدل؛ فضاهایی که با شمارهٔ۵ و ٦ مشخص شده است، انبار آسیاب را نشان می‌دهد.

د) خانهٔ آسیاب

به نظر می‌رسد آن بخش از بنای آسیاب که سنگ آسیاب در آن قرار دارد، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین قسمت در مجموعه فضاهای معماری مربوط به آسیاب‌ها باشد. این فضا در منطقه با عنوان‌های خانهٔ آسیا، خانهٔ سنگ آسیا و خانهٔ ته آسیا شناخته می‌شود. در آسیاب‌های روستای حسن‌آباد، این فضا معمولاً در حدود ده متر در پنج متر مساحت دارد. در زیر این قسمت از آسیاب، چرخاب و سیستم فنی آسیاب قرار دارد. ازاین‌رو، زیر خانهٔ آسیاب، حالت زیرزمینی دارد. به علت عبور مداوم آب از زیر خانهٔ آسیاب، این قسمت از خنکی بیشتری نسبت به سایر فضاهای این بنا برخوردار است. معماری این فضا نسبت به سایر فضاهای آسیاب از نظر نوع مصالح به‌کار رفته و پوشش متفاوت است. ظاهراً به علت مجاورت این قسمت با تنوره آب، در ساخت آن از مصالح بادوام‌تر و دارای مقاومت بیشتری نسبت به آب همچون سنگ و ملات آهکی استفاده شده است؛ درحالی‌که در سایر فضاها، خشت خام و گل به‌کار برده‌اند. استفاده از سنگ و ملات آهکی در این بخش از آسیاب می‌تواند تمهیدی در جهت جلوگیری از ریزش گردوخاک به آردها و افزایش بهداشت محیط آسیاب تلقی شود. از نظر پوشش، سقف نیز برخلاف سایر

قسمت‌ها که دارای پوششی مسطح و تخت است، دارای پوششی منحنی و در اصطلاح معماری «سغ» (برزگمهری، ۱۳۹۱:۴۰۲) می‌باشد. به‌منظور اجرای پوشش این قسمت از چهار قوس استفاده شده است؛ این فضای چهار قوسی، گنبدی کم‌خیز را ایجاد کرده که در مرکز آن، روزنه‌ای که بیشتر جنبهٔ تهویهٔ هوای داخل آسیاب را دارد، تعبیه شده است. تویزه[1] اصلاحی است که در معماری برای توصیف این عنصر معماری مصطلح است. استفاده گسترده از یک چهارطاقی با قوس کم در تمام آسیاب‌های موردمطالعه می‌تواند ملاحظاتی فنی در پی داشته باشد. ازاین‌رو، به نظر می‌رسد اجرای چنین گنبدی از سویی می‌تواند باعث تهویه سریع‌تر و بهتر هوا شده و از سوی دیگر، لرزش‌های ناشی از حرکتِ سنگِ آسیاب را که ممکن است در سازه اثرگذار باشد، مهار کند. سنگ آسیاب در زیر یکی از این قوس‌ها که تنورهٔ آسیاب مشرف بر آن قرار دارد، جای می‌گیرد.

ازجمله تمهیدات جانبی این فضا می‌توان به طاقچهٔ محفظه مانندی اشاره کرد که کمی بالاتر از سطح کف خانهٔ آسیاب در زیر یکی از طاق‌های کوچک قرار دارد. این طاقچه را در روستای حسن‌آباد با عنوان پرخو[2] می‌شناسند. پرخو در مجاورت سنگ آسیاب تعبیه‌شده و آسیابان‌ها بعد از وزن کردن آرد، دستمزد خود را برداشته و در درون آن محفظه قرار داده و بعد از پر شدن آن، آرد را به کیسه منتقل می‌کردند. این طاقچه به دو قسمت تقسیم شده است که از یک قسمت آن برای آرد گندم و قسمت دیگر آن را برای آرد جو استفاده می‌کنند. وجود چنین محفظه‌ای را می‌توان نمایانگر دغدغهٔ آسیابان برای جلوگیری از تداخل آرد خود و مشتریان دانست.



تصویر ۷. نمایی از اجرای گنبدی سقف خانهٔ آسیاب



تصویر ۸. نمایی از اجرای گنبدی سقف خانهٔ آسیاب

هـ) تنوره

تنوره مقاوم‌ترین و پایدارترین عنصر در مجموعهٔ سازه‌های آسیاب‌ها است. این مقاوم بودن موجب شده است تا امروز، آن به‌عنوان تنها عنصری که در تمام آسیاب‌های روستا باقی مانده، مطرح باشد. این سازه که جزئی از سیستم فنی آسیاب‌ها به شمار می‌رود به علت مهارت نسبتاً مطلوبی که در ساخت آن به‌کار رفته در کنار ساختمان آسیاب و برج، در شکل‌دهی به چشم‌اندازی زیبا مؤثر بوده است. ظاهراً وجه‌تسمیه آن می‌تواند ریشه در شباهت و تفاوت این سازه با تنور نان‌پزی داشته باشد. تنوره، سازه‌ای استوانه شکل است که به‌طور معمول دارای دهانه‌ای به قطر یک تا یک و نیم متر است. دانش بومی بهره‌گیری از تنوره و منطقِ عملکرد آن در سیستم آسیاب،

۱. قوس یا رگهٔ برجسته‌ای که در دهانهٔ طاق و محل تقاطع طاق‌ها احداث می‌شود و یا طاق را به بخش‌های کوچک تقسیم می‌کند و برای نگه داشتن طاق یا تزیین به کار می‌رود (بهشتی و قیومی بیدهندی، ۱۳۸۸:۷۶). فلاح‌فر (۱۳۸۷: ۶۶) نیز این اصطلاح را چنین معرفی کرده است: قوس‌های پیش‌ساخته از گچ و نی که بر روی زمین قالب‌ریزی شده و بر روی بنا کار گذاشته می‌شود و سپس دور و حدفاصل آن‌ها را با آجر می‌چینند به طوری که تویزه‌ها در میان آجرها قرار گیرد. شمس (۱۳۸۸: ۵۴) نیز به اسامی مختلف تویزه در مناطق ایران اشاره می‌کند: در کاشان به آن گچی لنگه، در خوزستان باریکه، در آذربایجان و یزد اوزیر، در خراسان خودهوی، و همچنین در برخی شهرهای دیگر لنگه و بند و لاچسبان می‌گویند.

2. Perxav

براساس اصلی در فیزیک تنظیم شده‌است. طبق یک اصل در فیزیک، سرعت و سطح مقطع باهم رابطهٔ برعکس دارند یعنی با کاهش سطح مقطع، سرعت افزایش می‌یابد (رزنیک، هالیدی و کرین، ۱۳۸۲: ۸۲). با توجه به این مسئله، تنوره را به شکل قیف طراحی و اجرا می‌کرده‌اند؛ بدین ترتیب قطر تنوره هر چه به عمق آن نزدیک‌تر شود، کوچک‌تر می‌شود. طراحی و اجرا تنوره به صورتی که گذشت، خود راهبردی مؤثر در افزایش توان آب‌های محدود منطقه است.



تصویر ۹. دهانهٔ تنورهٔ سرخو



تصویر ۱۰. تنورهٔ آسیابِ سرخو

فضاهای جنبی

الف) بُرج

می‌توان اظهار کرد، بُرج از جمله سازه‌های جانبی آسیاب است که به‌ویژه در گران سالی‌ها در افزایش اهمیت و اعتبار آسیاب‌های دارای آن، تأثیر درخوری داشته است. درواقع، می‌توان گفت وجود برج در مجموعهٔ آسیاب، به آن رجحان و برتری نسبی داده چراکه احتمال و امکان دستبرد و سرقت گندم و آرد از آن نسبت به سایر آسیاب‌ها به‌مراتب کمتر بوده است؛ بنابراین کارکرد اساسی و عمده این سازه در حوزهٔ حراست و حفاظت از آسیاب قابل دسته‌بندی است. برج در کنار ساختمان آسیاب و متصل به فضاهای ورودی آسیاب قرار داشته و درگاه ورودی به برج نیز، چنانکه گذشت در سمت چپ درب فضای ورودی به آسیاب قرار دارد. این درگاه همانطور که در تصاویر مرتبط نیز قابل مشاهده است از حد معمول کوچک‌تر است؛ ارتفاع برج در حدود هفت الی هشت متر در دو طبقه می‌باشد. طبقهٔ اول برج به‌وسیلهٔ نردبانی به طبقهٔ دوم برج متصل شده است. در چهارسوی طبقهٔ دوم برج، چهار دریچه جهت دیده‌بانی و تسلط به اطراف آسیاب وجود دارد. نحوهٔ اجرای دیوارهای برج تا ارتفاع چهار الی پنج‌متر به‌صورت چینهٔ گلی و بقیهٔ آن به‌صورت خشت خام می‌باشد. اجرای سقف برج به‌صورت تیرپوش کردن با چوب است. چنانکه آسیابانان روستا روایت می‌کنند، در این طبقه از آسیاب همواره تلی از سنگ برای مقابله با حمله احتمالی به آسیاب وجود داشته است.

آسیابان‌های روستا خاطرات بسیاری از حملهٔ دزدان به آسیاب‌ها روایت می‌کنند. چنانکه تاریخ شفاهی منطقه نیز نشان می‌دهد در برخی از گران‌سالی‌ها اهمیت مسئله تأمین نان بیش‌ازپیش برجسته می‌شده است؛ تا آنجا که افراد نه‌تنها برای نان شب خود درمانده می‌شدند بلکه حتی چندین شب نان خشک و مخلوط به انواع گیاهان خودرو نیز به آنان نمی‌رسیده‌است.[1] در این سال‌ها گندم و آرد و حتی برخی جایگزین‌های کم‌بهاتر آن

---

۱. در گران سالی‌ها و قحطی‌ها به واسطهٔ محدودیت و کمبود آرد در درست‌کردنِ نان از انواع گیاهان خودرو جهت افزایش خروجی نان استفاده می‌شده است، چنانکه می‌گویند، در سالی که در منطقه به سال «من پنش تمن» شناخته می‌شده‌است؛ زنی از یک مَن آرد، پنج مَن خمیر درست کرده است. بدین نحو که انواع علف‌ها و گیاهان خودرو را به خمیر مخلوط کرده بنحوی که دیگر آن خمیر به علت سنگینی به تنور نمی‌چسبیده است (رازقی، ۱۳۹۲: ۳۸).

مانند ارزن یا در گویش محلی گورس[1] حکم کیمیا را می‌یافته، به‌نحوی که مردم حاضر بوده‌اند اشیاء گران‌بها و ارزشمند خود مانند پارچه‌ها و چارقدهای اطلسی را با مقدار اندکی از گندم و موادی از این‌دست معاوضه کنند (رازقی، ۱۳۹۲: ۴۲). در این سال‌ها، آسیاب که محل آرد کردن غلات بوده همواره محل هجوم و حملهٔ گرسنگان و دزدان بوده، چنانکه درگیری‌های خونین حول این مسئله در این سال‌ها در اطراف آسیاب‌ها روایت‌شده است. در این موارد آسیابان و سایر افراد مستقر در آسیاب – عمدتاً مالکان گندم و آرد – با پرتاپ سنگ و اقداماتی مشابه، از دریچهٔ مشرف به ورودی آسیاب، دزدان را که درصدد شکستن درب و ورود به داخل آسیاب بوده‌اند، ناکام می‌گذاشته‌اند. یکی از شگردهای دزدان برای نفوذ به آسیاب، قطع کردن آب از مسیر تنوره بوده است. در این موارد، به‌محض اینکه آسیابان برای رفع مشکل آسیاب، از آسیاب خارج می‌شده، دزدان به آسیاب هجوم می‌برده‌اند. وجود برج این فرصت را جهت وارسی اطراف برای آسیابان و امنیت بیشتر و نفوذناپذیری آن فراهم می‌کرده است. یکی از آسیابانان روستا در این باره چنین نقل می‌کند:

"در یک روز زمستانی، چند دزد می‌خواستند به زور وارد آسیاب شوند و گندم و آرد بدزدند. آن‌ها می‌خواستند درب آسیاب را بشکنند و وارد شوند که ما روی برج سنگ بارانشون کردیم. دزدها که دیگه کاری از دستشون ساخته نبود، شروع کردند به التماس کردن که چند قرصی نون به ما بدهید وگرنه از گرسنگی خواهیم مرد. ما هم چندتا فطیر آسیابانی براشون از دریچه آسیاب پرت کردیم؛ برداشتند و رفتند پی کار شون"



تصویر ۱۱. قرارگیری برج در کنار ورودی، آسیاب سمائی



تصویر۱۲. چارچوب ورودی به برج، آسیاب سمائی



تصویر ۱۳.اتصال طبقهٔ اول (همکف) به طبقهٔ دوم برج به‌وسیلهٔ نردبان، آسیاب سمائی



تصویر ۱٤. دریچه‌های طبقهٔ دوم برج، آسیاب سمائی

[1]. gavars: دانه گیاهی به همین نام و از خانواده گندم که به مصرف تغذیهٔ طیور می‌رسد. دانهٔ گورس به اندازهٔ ارزن است (یک چهارم دانهٔ گندم). بوتهٔ این گیاه به بوتهٔ گندم و ساقهٔ آن زبر و کرک‌داراست و سنبلهٔ آن شبیه به سنبلهٔ برنج است(محتشم، ۱۳۷۳ :۴۵۶).

ب) سایر فضاهای جنبی

علاوه بر برج در مجموعهٔ معماری آسیاب‌های روستای مورد نظر می‌توان از فضاهایی مانند تنورخانه و آغل احشام یا باربند یاد کرد. به نظر می‌رسد این فضاها که جهت ارائه تسهیلاتی به کنشگران آسیاب‌ها (آسیابان و مشتریان) در نظر گرفته شده، در دهه‌های پایانی استفاده از آسیاب‌ها به معماری آن افزوده شده است. این دو فضا معمولاً در بیرون و در حاشیهٔ آسیاب‌ها ایجاد می‌شده‌اند. با این حال باید تأکید کرد که فضای موسوم به خانهٔ خر در گذشته‌های دورتر همواره از اجزای اصلی آسیاب‌ها و در مجموعه داخلی آن قرار داشته و از طریق ورودی آسیاب قابل دسترس بوده‌است. به نظر می‌رسد، دردهه‌های پایانی فعالیتِ آسیاب‌ها، ارتباط دسترسی به خانهٔ خر مسدود و با ایجاد دسترسی از طرق دالان به آن فضا از آن به عنوان انبار استفاده می‌کرده‌اند. تنورچه‌های موجود در فضای ورودی آسیاب نیز کارکرد تنورخانه‌ها را ایفا می‌نموده‌اند.

مفهوم «درون‌گرایی» مبین معماری آسیاب‌های مورد مطالعه

حرکت در مسیر تحلیل داده‌های مشاهده‌ای و متنی پژوهش حاضر در عمل نشان داد که برای بازنمایی و نمایشِ مفهومی معماری آسیاب‌ها از ورای تنوعات و تفاوت‌های آن‌ها، نیاز به مفهوم ویژه‌ای است که بتواند به عنوان یک مقولهٔ کلان‌تر، این تنوعات و تفاوت‌ها را در خود جای دهد. یکی از راه‌های خلق مفهوم در تحلیل داده‌های کیفی استفاده از ادبیات و پیشینهٔ موجود است. در این راستا از مفهوم «درون‌گرایی» که یکی از مفاهیم مهم در تحلیل معماری بومی ایرانی می باشد، استفاده شده است. با این حال باید توجه داشت که در اینجا لزوماً و کاملاً مفهوم درون‌گرایی[1] با معنای آن در معماری خانه‌های ایرانی منطبق نیست. در واقع در اینجا از این مفهوم برای نشان دادن گروهی از مقولات خُردتر، استفادهٔ ابزاری شده است. چنانکه شرح جزئیات و عناصر معماری سازه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، آسیاب‌ها سازه‌هایی به شدت کارکردی بوده و از آن برای رفع نیاز جامعه به آرد استفاده می‌شده است. با این حال چنانکه شواهد نشان می‌دهد، آسیاب سازه‌ای تک کارکردی نبوده و کارکردهای فرعی و جانبی نیز، در گذر فعالیت این مجموعه، به آن اضافه شده است. از این‌رو، این سازهٔ عمدتاً صنعتی- اقتصادی را از جهاتی می‌توان به عنوان سازه‌های مسکونی و حتی امنیتی در نظر گرفت. با این حال باز هم شاید مهم‌ترین عنصر و فضای آسیاب‌ها، خانهٔ آسیاب‌ها باشد که امر آسیابانی نیز در آن صورت می‌گرفته است. با وجود فضاهای مختلف با کارکردهای متفاوت در مجموعهٔ آسیاب‌های مورد مطالعه و در واقع وجود نوعی جدایی فضایی و کارکردی در آسیاب، شکلی از سامان‌یافتگی متوازن و یکپارچه در آن قابل مشاهده است. در واقع، معماری این سازه نوعی از وحدت در عین کثرت را نشان می‌دهد. تمام فضاهای آسیاب شامل برج، خانهٔ خر، خانهٔ آسیاب، دالان، انبار و غیره با وجود جدایی از یکدیگر همگی به وسیلهٔ یک محور فضایی بنام ورودی به یک‌دیگر و جهان بیرونی مرتبط و متصل هستند. این گسستگی فضایی در عین پیوستگی و عدم ارتباط با فضای بیرونی و از سوی دیگر نمای گلی و بدون آرایه آسیاب‌های مورد مطالعه و اظهارات اطلاع‌رسان‌های پژوهش مبنی بر جدایی آسیاب و آسیابانان از بافت روستا و برخی پنهان‌کاری‌های ایشان، نگارندگان را به در نظر گرفتن این موارد در ذیل مفهوم کلان‌تر درون‌گرایی سوق داد. با وجود مطالعات ارزشمندی که بر معماری آسیاب‌ها در ایران انجام شده (رمضان‌زاده، ۱۳۹۵؛ سرافرازی، ۱۳۷۳: ۱۵۳-۱۵۲؛ سلطانی‌محمدی، رئیسی و فهامی، ۱۳۹۵؛ صالحی، ۱۳۹۳؛ فرحزا و عباسی هرفته، ۱۳۹۰؛ ملک‌زاده ۱۳۹۲) کمتر این مطالعات به سمت مفهوم‌پردازی از معماری آسیاب‌ها حرکت کرده‌اند و عمدتاً تلاش خود را به سوی معرفی جزییات و ارائه شناسایی‌های ارزشمندی از این سازه‌ها معطوف داشته‌اند. برای مثال در مطالعهٔ رمضان‌زاده (۱۳۹۵) از آسیاب‌های محصور در دیوارهای برج سخن به میان آمده و صرفاً تبیینی کارکردی از جهت امنیت برای آن ارائه گردیده است. چنین اشارتی در مطالعهٔ فرحزا و عباسی هرفته (۱۳۹۰: ۱۶۸) نیز مشاهده می‌شود. البته باید تأکید کرد که در آسیاب‌های مورد مطالعه نیز کارکرد امنیتی بُرج اهمیت چشمگیری در شکل‌گیری آن داشته است.

در ادامهٔ مقاله، تلاش بر آن است تا در راستای طرح پژوهش حاضر، مسئله درون‌گرایی به عنوان ویژگی غالب در معماری سازه‌های مورد نظر در روستای حسن آباد ده زمین براساس عوامل اجتماعی و فرهنگی مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته و در نهایت، از خلال بررسی این سازه سنتی، بُرشی اجتماعی از جامعهٔ مورد مطالعه ارائه گردد.

---

۱. درون‌گرایی نگرش به درون، نوعی سازماندهی کالبدی در معماری ایرانی- اسلامی است که عبارت است از بسته بودن فضای خصوصی نسبت به فضای شهری و بازشدن آن به سوی فضای خصوصی است. پیدایش این الگو هرچند به دلایل اقلیمی و محیطی به معماری قبل از اسلام ایران مربوط است اما در دوران اسلامی علاوه بر این مسائل باورهای مذهبی و بحث محرمیت در گزینش این الگو در ساختار فضایی شهرها و بناهای درون آن بویژه خانه‌ها نقش موثری داشته است(هاشمی‌زرج‌آباد، زارعی و تقوی، ۱۳۹۳: ۹۶).

معماری آسیاب، جلوه‌ای از ساخت پرتنش در جامعهٔ روستایی مورد مطالعه

در مناطق گرم و خشک و کویری به علت طبیعت زمخت و محدودیت منابع، همواره بهره‌برداری از منابع محدود همراه با دشواری و مسئله بوده است. چنان‌که دسته‌ای از مطالعات جوامع روستایی ایران نشان می‌دهند، این مسائل در نهایت، موجب شکل‌گیری تعارض و کشمکش در این جوامع شده است (لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۸۲ ؛ بنت، ۱۳۷۴: ۱۲۵ ؛ طالب، ۱۳۷۶: ۱۰۵). البته گروهی دیگر از پژوهش‌های روستایی ایران با استناد به همکاری‌ها و یاریگری‌های موجود در جامعهٔ روستایی ایران در بهره‌برداری از منابع، این جوامع را بیشتر وفاق‌آمیز تحلیل نموداند (فرهادی، ۱۳۷۳، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ ؛ صفی‌نژاد، ۱۳۸۱). پژوهش حاضر در اینجا بدون آنکه تصمیم به ورود به این مناقشه در فهم جامعهٔ روستایی ایران را داشته باشد، تلاش دارد با اتکا به شواهدِ میدانی و پژوهش‌های انجام شده در فرهنگ بومی منطقه مورد مطالعه، به تجزیه و تحلیل معماری آسیاب‌های روستای حسن‌آباد با توجه به ساخت اجتماعی جوامع روستایی منطقهٔ مورد مطالعه بپردازد. بدیهی است که پژوهش حاضر داعیه تعمیم نتایج خود را به سایر بافت‌ها و اجتماعات روستایی ایران ندارد. پژوهش در جوامع روستایی منطقهٔ مورد مطالعه (غربی، ۱۳۹۳) و نیز مجموع شواهد میدانی به‌ویژه مشاهدات و مصاحبه‌های پژوهش حاضر، وجود تعارضات و تنش‌ها را در ساخت اجتماعی روستاهای منطقه و از جمله روستای مورد مطالعه تأئید می‌کند. با این وجود، چنان‌که اطلاع‌رسانان پژوهش حاضر بیان می‌دارند و در صفحات آغازین نیز مورد اشاره قرار گرفت، در گذشته بواسطه حضور ارباب در روستا و اقتدار او، این تنش‌ها و تعارضات فرصت چندانی برای بروز و ظهور نمی‌یافته‌اند؛ چرا که ارباب با تنش آفرینان و برهم‌زنندگان نظم روستا برخورد شدید داشته است. در این ارتباط، یکی از اطلاع‌رسان بیان داشت که: "حتی یکی از مردان روستا به خاطر اینکه پالتوی خود را به‌جای اینکه بر تن کند، بر روی شانه‌هایش انداخته بود، ارباب او را به درخت بست و با ترکه تنبیه‌اش کرد". اما با از بین رفتن اقتدار ارباب و خروج او از روستا تنش‌ها صورت علنی‌تر به خود یافته‌اند و امروز نیز صورت‌هایی از تداوم آن را ساخت اجتماعی روستا می‌توان مشاهده نمود.

آنچنانکه پژوهش‌های مربوط به ساخت جوامع روستایی ایران نشان می‌دهند، معمولاً جامعه روستایی ایران از چندین لایه و قشر اجتماعی تشکیل شده و موقعیت هر یک از این لایه‌ها در ارتباط با زمین و مدیریت تولید طی قرون، از طریق آداب و سنن اجتماعی معین شده است (ازکیا، ۱۳۷۴: ۹۰؛ ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۸۱ ؛صفی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۸۷؛ وثوقی، ۱۳۷۳). وثوقی (۱۳۷۳) در یک دسته‌بندی از اقشار جامعهٔ روستایی ایران، این جامعه را متشکل از کشاورزان و غیرکشاورزان می‌داند. کشاورزان شامل دهقانان، دهقانانِ خردپا و متوسط و زارعان سهم‌بر می‌شود و طبقهٔ غیرکشاورز شامل کارگران روستایی و سوداگران روستایی است. به نظر می‌رسد، این طبقه‌بندی وثوقی در مناطق روستایی محدودهٔ مورد بررسی در این پژوهش نیز صادق باشد. بر اساس طبقه‌بندی وثوقی، آسیابان را باید در طبقهٔ دوم، یعنی طبقهٔ غیرکشاورزان و جزئی از کارگران دانست. طبقهٔ کارگران شامل باغبانان، چوپانان، مقنیان، کارگران روزمزد و ... است. آسیابان‌ها به‌واسطه فعالیت در فرآیند تهیهٔ نان که به‌ویژه در گذشته مهم‌ترین کالا بوده است، حداقل در حد نیاز خود و خانواده‌شان، به گندم و آرد – به‌ویژه در گران‌سالی‌ها که کمبود این موارد، به مسئله‌ای حاد و جدی تبدیل می‌شده– دسترسی داشته‌اند. این مسئله موجب می‌شده تا ایشان نسبت به سایر افراد هم‌ردهٔ خود از امنیت غذایی بیشتری برخوردار باشند. شواهد میدانی نشان می‌دهد که مسئلهٔ امنیت غذایی نه‌تنها یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های مردم در گذشته بوده بلکه مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئله بوده است. دراین‌باره یکی از اطلاع‌رسانان پژوهش حاضر چنین نقل می‌کند:

"روزی به خانهٔ ملا عبدل رفتم. دیدم از خانهٔ گندم بیرون می‌آورد و حوریه همسر او کنده‌ای در دست داشت و از عبدل خواست آن را بشکند اما عبدل ناگهان به‌صورت موزون گفت نمی‌شکنم و شروع به رقص کرد. گفتم چرا می‌رقصی؟ گفت: در کندی[1] را باز کردم سه خروار گندم دارد، روزی یک من هم که بخورم سالمان را بس است. چرا نرقصم؟"

یکی از اهالی روستا در مورد دسترسی مناسب‌تر آسیابانان به گندم چنین بیان می‌دارد:

"آسیابانی شغلی نبود که بتواند وضع زندگی آسیابانان را تغییری کلی بدهد اما آن‌ها همیشه همان مقدار کم گندم را داشتند. حتی در یک سال یکی از ثروتمندان روستا گندم نداشت و برای خرید گندم به کاشمر رفته بود؛ گندم گیرش نیامده بود، مجبور شده بود کشمش به‌جاش بخرد و بیاورد اما خب آسیابان‌ها همیشه

---

۱. انبار ذخیره گندم

همان مقدار کم گندم را داشتند یعنی گرسنگی نمی‌کشیدند و همان لقمهٔ نون را داشتند که بخورند"

در زیر نقل قول دیگری آمده است که وضعیت مناسبتر آسیابانان در میان طبقات فرودست جامعهٔ مورد مطالعه را نشان می‌دهد:

" آسیابان‌ها در اصل همه رعیت بودند اما احتیاج به ثروتمندان نداشتند اما بقیهٔ رعیت‌ها به آن‌ها [ثروتمندان] احتیاج داشتند؛ احتیاج داشتند با چه مکافاتی. آن‌ها [ثروتمندان] می‌گفتند اگه می‌خواهید پنچ مَن گندم بهتان بدیم مجموعهٔ مسی‌تان را باید پیش ما گرو بذارید، هر موقع پنچ مَن گندم را پس آوردید مجموعه‌تان را بردارید و ببرید. ارزش مجموعه هم معمولاً دو برابر ارزش گندم بود که می‌گرفتند. بسیاری از رعیت‌ها هم نمی‌توانستند پنچ مَن گندم رو پس بدهند و آن آقا هم مجموعه را برای خود برمی‌داشت."

برخورداری نسبی آسیابان از این نعمت، ضامن برخورداری او از سطح بالاتری از کیفیت در زندگی نسبت به هم‌رده‌هایش در نظام اجتماعی روستایی است. با توجه به سطح پایین کیفیت زندگی طبقات کارگر روستایی، برخورداری‌های فردی یا خانوادگی و گروهی که از سطح برخورداری‌های عمومی بالاتر باشد مورد سوءظن و موضوع کندوکاو و صبحت‌های ناخوشایند کسانی قرار می‌گیرد که خود یا خانواده و گروه خود را نابرخوردار به حساب می‌آورند. در چنین وضعیتی شرایط بهتر برای یک گروه به معنی محروم بودن افراد و گروه‌های دیگر تلقی می‌شود؛ رفتارها و گفتارهای حسادت‌آمیز از طرف ندارها و پنهان‌کاری از طرف داراها رایج می‌گردد. جورج فاستر استاد انسان‌شناسی در دانشگاه کالیفرنیا با توجه به مطالعاتش در جوامع روستایی مکزیک به این نتیجه رسیده که محدود بودن و یا محدود انگاشتن موارد خواستنی، از عوامل اساسی در بروز این نوع از رفتارها است (ثریا، ۱۳۸۴: ۷۹). در مورد موضوع مورد بحث نیز، موارد زیادی از رفتارها و گفتارهای حسادت آمیز از سوی قشر کارگر و غیرکشاورز روستایی که در واقع هم رده‌های آسیابان‌ها در نظام اجتماعی روستای مورد مطالعه بوده‌اند در ارتباط با ایشان وجود داشته است. مصاحبه‌های مردم‌نگارانه پژوهش حاضر مواردی متعددی از این اظهار نظرها را را احصا نموده است که برای نمونه به یکی از آنها اشاره می‌شود.

"چون آسیابان‌ها در آسیاب روی آردها راه می‌روند، بدن‌شان همیشه پُر آرد است. مثلاً دستشویی همان جور می‌رند، جماع همین جور با آرد می‌کنند. به همین جهت می‌گویند که کار این‌ها نجسه. در همین اواخر بعضی از بچه‌ها این‌ها آمده بودند به مدرسه بعد که برگشته بودند به سرآسیاب به پدر و مادر خود گفته بودند که مردم روستا خم و راست می‌شوند و می‌نشیند و یه چیزای هم با خودشون می‌گویند. بعد پدر اون بچه‌ها به مادرشون گفته نگاه ما این قدر نماز نخوندیم که این بچه‌های ما نمی‌دونند که نماز چی هست. این جوری بود آسیابون‌ها اصلاً نماز نمی‌خوندند، از باغ‌های مردم همه‌اش انگور می‌دزدیدند. سر باغ‌ها هرچی انگور، زردآلو و شفتالو بود که صاحبانش نبودند، این‌ها برای خودشون می‌دونستند."

با توجه به وجود چنین شرایطی، به نظر می‌رسد بتوان نوع معماری و نحوهٔ سازمان‌یافتگی فضا بویژه فضای مورد نظر ما را، با عنایت به این شرایط تحلیل کرد؛ به عبارتی دیگر، به نظر می‌رسد، می‌توان معماری بنا را پاسخی به این شرایط تلقی کرد. درون‌گرایی و پرهیز از زیباسازی بنا به‌عنوان دو اصل در معماری آسیاب‌های موردمطالعه بیش از همه، این شرایط تنش‌آلود را تداعی می‌کند. هرچند عوامل دیگری نیز دراین‌باره می‌تواند دخیل باشد و باید این ویژگی‌ها را ماحصل مجموعه‌ای از این عوامل دانست. در این راستا محمد کریم پیرنیا معتقد است اهمیت ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت‌نفس ایرانیان موجب شده است، معماری ایران رو به سمت درون‌گرایی داشته باشد. البته او به عوامل طبیعی نیز توجه دارد و خانه‌های درون‌گرا را در سرزمین‌های خشک، پاسخ درخوری برای خشکی هوا، بادهای آزاردهنده، شن‌های روان و آفتاب تند کویر می‌داند (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۳۶).

چنانکه پیش از این گذشت، تقسیم فضایی در ورودی آسیاب، اتصال به‌وسیلهٔ دالان به قسمت خانهٔ آسیاب، عدم وجود هرگونه ارتباطی با بیرون مگر یکی دو نورگیر کوچک، وجود نوعی جدایی فضایی و کارکردی در سامان‌یافتگی آسیاب در عین حال وجود نوعی سامان‌یافتگی متوازن و یکپارچه در آن – به عبارتی نوعی معماری وحدت‌گرا در عین کثرت‌گرا بودن آن –، و اجتناب از تزیین‌گرایی، از مؤلفه‌ها و خُرده مقولاتی هستند که بر اساس آن‌ها معماری آسیاب‌های مورد مطالعه را می‌توان تحت عنوان مقولهٔ کلان‌تری همچون درون‌گرایی صورت‌بندی مفهومی نمود. به پیروی از راپاپورت، درون‌گرایی این سازه‌ها را در درجهٔ اول می‌توان معلول شرایط فرهنگی و اجتماعی دانست که آسیابانان در آن قرار داشته‌اند. آنان با دست یافتن به جایگاه مطمئن‌تر

نسبت به هم‌رده‌های خود در نظام روستایی، با نوعی حس بدبینی و حسادت نسبت به خود روبرو بوده‌اند. ازاین‌رو به نظر می‌رسد، ترجیح می‌دهند کار آسیابانی و انبار کردن آرد و غیره را دور از نگاه هم‌رده‌های خود در روستا انجام دهند. شاید از این رهگذر از میزان فشارها و اتهام‌ها نسبت به خود بکاهند. عدم استفاده از تزیینات و عناصر زیبایی‌بخش نیز شاید نشئت‌گرفته از همین مسئله باشد؛ بنابراین می‌توان اظهار کرد این شرایط باعث می‌شود، پنهان‌کاری به‌عنوان یک کلیشه رفتاری غالب در رفتار و اندیشه و معماری آسیابان نمود یابد. در این زمینه فاستر نقل‌قولی از یکی از اطلاع‌رسان‌های خود نقل می‌کند که می‌تواند برای درک این وضعیت در معماری آسیاب‌های موردمطالعه مفید باشد:

"دیوارهای خانه‌های ما که اموال و متعلقات ما را از دید دیگران مخفی می‌دارند، بخش مهم و لازمی از وسایل دفاعی ما هستند. این دیوارها برای محافظت ما از غاصبین بی‌رحم لازم‌اند. پدران ما این دیوارها را ضخیم و محکم برپا کردند تا دشمنان را به داخل منزل راهی نباشد و از گل ساختند تا توجه دیگران جلب نگردد؛ اما به‌منظور حفاظت ساکنان داخل خانه، بهتر است دیوارها به‌جای اینکه سخت و محکم باشند خراب و کهنه به نظر برسند. وقتی ظاهر خانه‌خراب و کهنه باشد مهمانان طمع‌کار نمی‌توانند بفهمند که فقر و بدبختی صاحب‌منزل واقعی است یا ساختگی"

(فاستر، ۱۳۷۸: ۴- ۶۳).

نتیجه‌گیری

مقالهٔ حاضر کوششی در حوزهٔ انسان‌شناسی معماری است؛ انسان‌شناسی و معماری به تعبیر میت ترن (۱۹۹۶) دو همراه عجیب بوده‌اند که باوجود ارتباط پیوسته‌شان هرگز رابطه‌شان روشن نشده است. بااین‌حال، آنچه مسلم به نظر می‌رسد آنکه معماری به‌عنوان یک دستاورد بشری همواره موردتوجه و نظر انسان‌شناسان بوده است. اصطلاح انسان‌شناسی معمارانه[1] برای بیان رابطهٔ انسان و محیط ساخته‌شدهٔ او مطرح شده است. دل‌مشغولی عمده این حوزه، مطالعه و بررسی رابطه میان سازمان اجتماعی و فرهنگی مردم و محیط ساخته‌شده آنان است.

آموس راپاپورت، سازه و بنا را معلول عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌داند. هرچند او اهمیت سایر عوامل مانند اقلیم، مکان و فنّاوری را نادیده نمی‌گیرد اما اولویت را به عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌دهد و سایر عوامل را دارای قدرت تأثیرگذاری درجهٔ دو می‌داند. مقالهٔ حاضر در بررسی بنای آسیاب‌ها و ارزش‌های معماری آن چنین رویکردی را در نظر دارد. در واقع هدف عمده در این پژوهش توضیح و تبیین معماری آسیاب‌ها با توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی جامعهٔ مورد بررسی بوده است. چنانکه داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، ویژگی بارز و اصلی سازهٔ موردمطالعه را می‌توان تحت عنوان مفهوم درون‌گرایی صورت-بندی کرد. همه فضاهای آسیاب به قسمت ورودی آسیاب که شاید از جهتی بتوان آن را مشابه هشتی در معماری خانه‌های تاریخی ایران دانست، منتهی می‌شود. این قسمت نقش تقسیم فضایی را بر عهده دارد. در تحلیل و تبیین مفهوم درون‌گرایی در معماری بنای مورد بررسی باید به برخی ارزش‌های فرهنگی و ساختار اجتماعی موردمطالعه توجه کرد. چنانکه گذشت آسیابان‌ها به‌واسطه دسترسی مطلوب به نان از جایگاهی ممتاز و برجسته در طبقهٔ فرودست جامعهٔ روستایی مورد مطالعه برخوردار بوده‌اند. البته این برتری نسبی برای این افراد دشواری‌ها و مسائلی را نیز به دنبال دارد. به‌عبارتی‌دیگر هنگامی‌که در طبقه و یا قشری محرومیت در سطح گسترده‌ای برقرار باشد، دستیابی عده‌ای از افراد آن طبقه و قشر به شرایط و موقعیت بهتر موجب افزایش سطح تنش میان افراد آن قشر و طبقه می‌شود. در این شرایط رفتارها و گفتارهای حسادت آمیز از طرف ندارها و پنهان‌کاری از طرف داراها تبدیل به رفتارهای رایج در جامعه می‌گردد. داده‌ها و تحلیل‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، درون‌گرایی این سازه‌ها را بیش از آنکه باید ناشی از متغیرهای اقلیمی و یا برخی ملاحظات فرآیند آسیابانی مانند کاهش صدا، جلوگیری از ورود گردوخاک به درون آسیاب و آردها دانست، می‌توان با توجه متغیرهای اجتماعی تحلیل کرد. روابط حاکم در طبقات فرودست جامعه روستایی که آسیابانان جزئی از آن بوده‌اند، موجب شده است که پنهان‌کاری به‌عنوان یک کلیشه رفتاری غالب به اندیشه و عمل آسیابان شکل دهد. یکی از حوزه‌های بازنمود این مسئله در معماری آن است که خود را به‌صورت نوعی معماری درون‌گرا و ساده و بی‌آلایش نشان می‌دهد. در نهایت، مقالهٔ حاضر با تحلیل ویژگی غالب معماری سازه‌های مورد مطالعه، می‌خواهد اهمیت و تأثیرگذاری امر اجتماعی را در حوزه‌های مختلف زندگی انسان ازجمله محیط‌های دست‌ساز او نشان دهد. به‌عبارتی‌دیگر امر اجتماعی در حوزه‌های مختلف فرهنگ مادی و معنوی فرصت بازنمایی و بازتولید را می‌یابد.

قدردانی

در پایان لازم می‌دانیم از همهٔ مردم دوست‌داشتنی روستای حسن آباد ده زمین و همفکری دوستان ارجمند آقایان محمد

1. Architectural Anthropology

حسین داوطلب، کاظم مختارنیا، محسن عزیزی‌راد، اصغر رمضان‌زاده، احمد برآبادی و یاسر ملکوتی‌فر کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم. همچنین لازم به ذکر است، بخشی از عنوان این مقاله، ملهم از عنوان رسالهٔ دکتری اصغر ایزدی جیران با عنوان "تجسم فرهنگ در هنر :مردم‌نگاری ورنی‌های قره‌داغ آذربایجان" انتخاب شده است.

فهرست منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۹۲). *اورزان. چاپ چهارم*، تهران: آدینه سبز.
- اباذری، یوسفعلی و سیاوش قلی پور (۱۳۹۱). *فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در دوره قاجار*. مجلهٔ پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران؛ شمارهٔ ۳۷: صفحات ۳ تا ۹.
- ارمغان، مریم، سلطان‌زاده، حسین و هما ایرانی بهبهانی (۱۳۹۲). *معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دورهٔ قاجار*. مجلهٔ پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران؛ شمارهٔ ۱: صفحات ۲۹ تا ۵۰.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعهٔ روستایی ایران*. تهران: نی.
- افروغ، محمد، بهنام‌فر، حسین و موسی‌الرضا بهنام‌فر (۱۳۸۸). *چادرشب‌بافی، هنری فراموش‌شده، مطالعهٔ موردی روستای رویین اسفراین*، مجلهٔ نجوای فرهنگ؛ شمارهٔ ۱۴: صفحات ۸۷ تا ۹۴.
- ایمانی جاجرمی، حسین و ماهرو شاه‌حسینی (۱۳۹۰). *آسیاب و آسیابانی در جامعه روستایی ایران*، مجلهٔ انسان‌شناسی؛ سال نهم، شماره۱۴: صفحات ۹ تا ۲۷.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۸۲). *آسیای هفت سنگ*. چاپ هفتم. تهران: علم.
- برومبرژه، کریستیان (۱۳۷۰). *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان*. ترجمهٔ علاءالدین گوشه‌گیر، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بزرگمهری، زهره (۱۳۹۱). *قوس‌ها در معماری اسلامی*؛ در کتاب معماری ایران (دوره اسلامی). گردآوری محمد یوسف کیانی. تهران: سمت.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمهٔ حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۶۷). *آسیا*؛ در دایره المعارف بزرگ اسلامی. به سرپرستی کاظم موسوی بجنوردی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۸). *در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ دیگری نگریستن*. تهران: گل‌آذین.
- بنت، فرانسیکو (۱۳۴۷). *نوسازی زندگی روستایی و دامپروی در منطقه زاگرس*. نامه علوم اجتماعی؛ شمارهٔ ۱: ۱۲۱-۱۴۱.
- بی نا (۱۳۸۴). *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، استان خراسان رضوی، شهرستان سبزوار*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- بهشتی، سیدمحمد و مهرداد قیومی بید هندی(۱۳۸۸). *فرهنگ‌نامهٔ معماری ایران در مراجع فارسی*، تهران: متن.
- پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۶۴). *آسیاب‌هایی که با آب قنات کار می‌کنند*. مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد؛ شمارهٔ ۷۱: صفحات ۳ تا ۳۰.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی معماری*. تهران: سروش دانش.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶). *معماری اسلامی ایران*. تهران: سروش دانش.
- تهرانی، فرهاد، خاکپور، مژگان و هورناز وهابی (۱۳۹۱). *سازه‌های بومی در معماری روستایی گیلان*، مجله پژوهشنامهٔ معماری رضوی، سال اول، شمارهٔ ۳: صفحات ۹ تا ۲۴.
- ثریا، مهدی (۱۳۸۴). *فرهنگ و شخصیت*. تهران: قصیده‌سرا.
- جعفری فارسانی، مریم، شمسی‌پور، اکرم و زهرا نقدی دورباطی (۱۳۹۲). *تأثیر اقلیم در معماری بومی و پایدار آسبادهای ایران*. مجموعه مقالات معماری و شهرسازی و توسعه پایدار؛ مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- خضری، زهره و حسین کوهستانی اندرزی (۱۳۹۰). *حفظ و باززنده‌سازی آسبادها و نقش آن در توسعهٔ صنعت گردشگری روستایی*. مجموعهٔ مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت، تدوین محسن سرتیپی‌پور، تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۹). *لغت‌نامه*. تهران: چاپ سیروس.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن*. ترجمهٔ خسرو افضلیان. تهران: حرفه هنرمند.
- رزنیک، رابرت، هالیدی، دیوید و کنت اس کرین (۱۳۸۲). *فیزیک هالیدی*. تهران: نشر دانشگاهی.
- رازقی، رمضانعلی (۱۳۹۲). *ترانه‌های محلی ششتمد*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد ادبیات فارسی؛ دانشگاه آزاد سبزوار.
- رستمی، حسنعلی (۱۳۸۷). *مبانی فقهی و حقوقی وقف و بازخوانی وقف‌نامه‌های سبزوار از عصر قاجاریه تاکنون*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ دانشگاه آزاد سبزوار.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و احسان لرافشار (۱۳۸۲). *بررسی انسان‌شناختی کاروانسراهای عصر صفوی*. نامهٔ انسان‌شناسی؛ شمارهٔ ۴: صفحات ۳۷ تا ۶۰.

• رفیع‌فر، جلال‌الدین و حمیدرضا قربانی (1385). *از کوچندگی تا یکجانشینی؛ رویکرد باستان مردم شناختی بر خاستگاه خانه و استراتژی معیشتی در دوره نوسنگی*. نامهٔ انسان‌شناسی، شمارهٔ 9: 84–116.

• رفیع‌فر، جلال‌الدین، غربی، موسی‌الرضا و محمد زرقی (۱۳۹۴). *آسیابانی و بازنمایی مناسبات اجتماعی طبقات فرودست در جوامع روستایی: بررسی پدیدهٔ آسیاب و آسیابانی در روستای حسن‌آباد ششتمد سبزوار*. مجلهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران؛ شمارهٔ ۳: صفحات ۳۷۵ تا ۴۰۷.

• رمضان‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۵). *آسیاهای یزد*. رسالهٔ دکتری باستان‌شناسی اسلامی؛ دانشگاه تهران.

• روستاخیز، بهروز (۱۳۹۴). *فرهنگ و مسکن؛ با تأکید بر مناسبات تحولی مسکن و سبک زندگی در جامعهٔ روستایی سیستان*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ مردم‌شناسی؛ دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

• زرگر، اکبر (۱۳۸۴). *درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران*. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.

• زارع‌شاه‌آبادی، علیرضا و سعید الفتی (۱۳۸۸). *بررسی قنات‌ها، قلعه‌ها و آسیاب‌ها از دیدگاه جغرافیاییِ اکولوژیک (مطالعه موردی: کاریزات تفت)*. فصلنامهٔ‌جغرافیای انسانی، سال اول؛ شمارهٔ ۳: صفحات ۲۷ تا ۳۸.

• ساکت یزدی، علی، امیدواری، سمیه و مهدی حاتمی تاجیک (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر قنات بر شکل گیری الگوهای آسیاب آبی نمونه موردی: آسیاب های آبی یزد*. اولین همایش ملی توسعه پایدار شهری؛ تهران: گروه پژوهشی کیمیا.

• سرافرازی، رضا (۱۳۷۳). *آسیاب‌های کمره و پیشینه آسیاب‌های آبی در ایران*. مجلهٔ علوم اجتماعی؛ شمارهٔ ۵: صفحات ۱۳۵ تا ۱۶۸.

• سلطانی محمدی، مهدی، رئیسی، مهدی و مهسا فهامی (۱۳۹۵). *گونه‌شناسی آسیاب‌های قناتی نایین*. مجلهٔ مسکن و محیط روستا؛ شمارهٔ ۱۶۵: صفحات ۱۲۷ تا ۱۴۶.

• سلطانی محمدی، مهدی، سلیمانی، آرین و محمود ستایش مهر (۱۳۹۲). *مکان‌یابی، کارکرد و معماری آسیاب دست‌کند ریگاره*. مجلهٔ اثر؛ شمارهٔ ۵۱: صفحات ۶۳ تا ۶۸.

• سنگ سفیدی، محسن و محمد عبدالله زاده ثانی (۱۳۸۸). *سیمای شهرستان سبزوار*. سبزوار: مؤلف.

• شمس، صادق (۱۳۸۸). *جلوه‌هایی از هنر معماری ایران زمین*. تهران: علم و دانش.

• صالحی، غلامحسین (۱۳۹۳). *فناوری و فرهنگ آسیاب‌ها در ایران*. تهران: ترفند.

• صفی نژاد، جواد (۱۳۵۵). *طالب‌آباد؛ نمونه جامعی از بررسی یک ده*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

• صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۵). *مبانی جغرافیای انسانی*. چاپ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.

• صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۱). *فرهنگ یاریگری در ایران، درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، جلد اول: یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری*. مجلهٔ نامهٔ انسان‌شناسی، دورهٔ اول؛ شمارهٔ دوم: صفحات ۱۹۳ تا ۱۹۸.

• طالب، مهدی (۱۳۷۶). *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران

• عبدالله زاده ثانی، محمد (۱۳۸۶). *گزارش ثبتی آسیاب ریوند سبزوار*. سبزوار: ادارهٔ میراث فرهنگی سبزوار.

• علوی مقدم، نسرین (۱۳۹۱). *سبک معماری خانه‌های سنتی در سبزوار*. مجلهٔ فرهنگ مردم ایران؛ شمارهٔ ۳۱: صفحات ۲۱۱ تا ۲۳۶.

• غربی، موسی‌الرضا (۱۳۹۳). *آیین‌ها به‌مثابه عناصر حل تعارض در جوامع روستایی: بررسی سویه‌های اجتماعی و فرهنگی سه آیین عاشورایی در ششتمد سبزوار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشتهٔ مردم‌شناسی؛ دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

• فرحزا، نریمان و محسن عباسی هرفته (۱۳۹۰). *آسیاب‌های قناتی یزد*. مجلهٔ صفه؛ شمارهٔ ۵۵.

• لاوسون، برایان (۱۳۹۱). *زبان فضا*. ترجمهٔ علیرضا عینی فر و فواد کریمیان. تهران: دانشگاه تهران.

• لمبتون، ا.ک.اس (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. ترجمهٔ منوچهر راهبردی. تهران: علمی و فرهنگی.

• فاستر، جورج (۱۳۷۸). *جوامع سنتی و تغییرات فنی*. ترجمهٔ سید مهدی ثریا. تهران: کتاب فرا.

• فربد، محمد صادق و عالیه رضاییان (۱۳۹۲). *تحلیل مردم‌شناختی هنر فرت‌بافی مطالعهٔ موردی: تربت جام*. مجلهٔ مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، سال هفتم؛ شمارهٔ ۴: صفحات ۸۱ تا ۱۱۴.

• فرهادی، مرتضی(۱۳۸۸). *انسان‌شناسی یاریگری*. تهران: ثالث.

• فرهادی، مرتضی(۱۳۷۳). *فرهنگ یاریگری در ایران، درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، جلد اول: یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری*.تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

• فرهادی، مرتضی (۱۳۶۹). *نامهٔ کمره*. تهران: امیرکبیر.

• فرهای، مرتضی(۱۳۸۷). *واره درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

• فلاح‌فر، سعید(۱۳۸۷). *فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران*، ویراست ۲. تهران: کاوش‌پرداز.

• فیلک، اووه (۱۳۸۶). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمهٔ هادی جلیلی. تهران: نی.

• قبادی هفشجانی، ندا و امیرحسین محمدزاده (۱۳۹۲). *بررسی مکانیزم آسیاب آبی ناژوان اصفهان*. مجلهٔ پژوهش هنر؛ شمارهٔ ۴: صفحات ۹۹ تا ۱۰۲.

• قاسمی سیچانی و مریم و غلامحسین معماریان (۱۳۸۹). *گونه-شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان*. مجلهٔ هویت شهر؛ شمارهٔ ۷: صفحات ۸۷ تا ۹۴.

• قاسمی سیچانی، مریم (۱۳۹۲). *تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری خانه‌های تاریخی ارامنه و مسلمانان اصفهان*؛ در کتاب مجموعه مقالات انسان‌شناسی هنر، به کوشش بهار مختاریان و محمدرضا رهبری. اصفهان: حوزه هنری اصفهان.

• قلی‌پور، اسماعیل (۱۳۷۷) *آسیابادی خواف*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشتهٔ مردم‌شناسی؛ دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

• گرگر، مک (۱۳۶۸). *سفر به ایالت خراسان*. ترجمهٔ اسدالله توکلی طبسی. مشهد: آستان قدس رضوی.

• گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۹۱). *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمهٔ علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.

• محتشم، حسن (۱۳۷۳). *فرهنگ‌نامهٔ بومی سبزوار*. سبزوار: دانشگاه آزاد سبزوار.

• مداحی، سیدمهدی و غلامحسین معماریان (۱۳۹۵). *تجزیه و تحلیل پیکربندی فضایی خانه‌های بومی با رویکرد نحوفضا (نمونه موردی: شهر بُشرویه)*. مجلهٔ مسکن و محیط روستا؛ شمارهٔ ۱۶۵: صفحات ۴۹ تا ۶۶

• محمدی، محمود (۱۳۸۱). *فرهنگ اماکن و جغرافیای تاریخی بیهق*. سبزوار: آژند.

• مظفر، فرهنگ، حسینی، باقر و امین عبدمجیری (۱۳۹۱). *فرهنگ در پژوهش‌های معماری*. مجلهٔ مسکن و محیط روستا؛ شمارهٔ ۱۳۸: صفحات ۲۹ تا ۳۸.

• معماریان، غلامحسین (۱۳۸۶). *سیری در مبانی نظری معماری*. تهران: سروش دانش.

• ملک‌زاده، محمد جعفر (۱۳۹۳). *آسیاب‌های بند امیر*. مجلهٔ گزارش؛ شمارهٔ ۸۳: صفحات ۱۴ تا ۲۰.

• مولانایی، صلاح‌الدین و سارا سلیمانی(۱۳۹۰). *مسکن روستایی کردستان، معماری اصیل و جاودان*. در مجموعهٔ مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت، تدوین محسن سرتیپی‌پور. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

• میرزایی، سید آیت‌الله (۱۳۸۲). *کاوشی درباره ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی کبوتر خانه‌های استوانه‌ای شکل*. نامهٔ انسان‌شناسی؛ شمارهٔ ۴: صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۹.

• نادری، بقراط (۱۳۵۶). *آس‌بادهای خواف*. مجلهٔ هنر و مردم؛ شمارهٔ ۱۷۷ و ۱۷۸.

• ناصریان خیابانی، فریبا و پریسا نیک‌مرام (۱۳۹۰). *مقایسه و تحلیل اقلیمی مسکن روستایی در اقلیم‌های مختلف ایران*. در مجموعهٔ مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت، تدوین محسن سرتیپی‌پور. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

• نصیب، ناصر (۱۳۶۰الف). *آسیاب و موقعیت آن در پهنای فرهنگ مردم. مجلهٔ* فرهنگ مردم، سال سوم؛ شماره ۴: صفحات ۵۶ تا ۶۰.

• نصیب، ناصر (۱۳۶۰ب). *آسیاب و موقعیت آن در پهنای فرهنگ مردم (۲)*. مجلهٔ فرهنگ مردم، سال سوم؛ شمارهٔ ۵: صفحات ۶۳ تا ۷۳.

• وثوقی، منصور (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کیهان.

• وولف، هانس (۱۳۷۲). *صنایع دستی کهن ایران*. ترجمهٔ سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: آموزش و انقلاب اسلامی.

• هاشمی‌زرج‌آباد، حسن، زارعی، علی و عابد تقوی (۱۳۹۳). *درون‌گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی– اسلامی؛ نمونه پژوهش میدانی: خانه‌های تاریخی بیرجند*. مجلهٔ پژوهشنامهٔ خراسان بزرگ، سال پنچم؛ شمارهٔ ۱۷: صفحات ۸۳ تا ۹۷.

• هال، ادوارد تی (۱۳۹۰). *زبان خاموش*. ترجمهٔ علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

• یزدانفر، عباس، حسینی، باقر و مصطفی زرودی (۱۳۹۲). *فرهنگ و شکل خانه مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر*. مجلهٔ مسکن و محیط روستا؛ شمارهٔ ۱۴۴: صفحات ۱۷ تا ۳۲.

• Arosino. Michael (2007). *Doing Ethnographic and Observational Research.* London: sage publications.

• Creswell, John W (2006). *Qualitative inquiry and Research design: Choosing among five approaches.* California: Sage Publications.

• Denzin, N. K. and Lincoln, Y. S. (1994). *The handbook of qualitative research.* London: sage publications.

• Harverson, M. (2011). *Asia.* Vol. II, Fasc. 7, pp. 751- 757.

• Turan mete (1996). *Anthropology and Architecture.* Journal of Anthropological Research، Vol. 52, pp. 355-359.

• Rapoport, Amos (1969). *House form and culture.* Englewood Cliffs: Prentice-Hall

• Russ V. V. Bradley, Jr. (1970). *A Critical Analysis of the Writings of Amos Rapoport.* Journal of Architectural Education (1947-1974), Vol. 24, No. 2/3, pp.16-25

• Tapper R and McLachlan,K (2005). *Technology, Tradition and Survival: Aspects of Material Culture in the Middle East and Central Asia.* London: Routledge

• Yimsrual، Supakit (2012). *Anthropological View of architecture: an alternative approach to study human environments.* Journal of Environmental Design and Planning، Vol 8.

• Braun, Virginia; Victoria Clarke (2006). *Using thematic analysis in psychology.* Qualitative Research in Psychology 3 (2), pp. 77- 101.

• LeCompte, Margaret and Jean J. Schensul (2010). *Designing and conducting ethnographic research: an introduction.* United States of America: AltaMira Press.